



توراه اور • پاراشاها נח • مامار 4

ויאמר ה' הן עם אחד ושפה א' לכלם...

«و ה' گفت: اینک، آنان یک قوم اند و همگی یک زبان دارند»



یگانگی و شمولِ متقابل، نوری را فرود می آورد که از هر نوری بالاتر است که یک مرتبه منفرد به تنهایی می تواند دریافت کند؛ از این رو سازندگان برج بابل واقعاً می توانستند به مقصود برسند. اما یگانگی راستین در قدوسیت تنها از راه خودنهی گری (ביטול, bittul) حاصل می شود؛ یگانگی بدون خودنهی گری به شر نیرو می بخشد. بنابراین، صلح میان کسانی که در برابر ه' خودنهی کنند، تنها ظرفی است که برکت را در خود نگاه می دارد.

تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com

پاراشای حسیدی



/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/noach/4

مقصود اصلی

یگانگی و شمول متقابل، نوری را فرود می‌آورد که از هر نوری بالاتر است که یک مرتبه منفرد به تنهایی می‌تواند دریافت کند؛ از این رو سازندگان برج بابل واقعاً می‌توانستند به مقصود برسند. اما یگانگی راستین در قدوسیت تنها از راه خودنفی‌گری (ביטול, bittul) حاصل می‌شود؛ یگانگی بدون خودنفی‌گری به شر نیرو می‌بخشد. بنابراین، صلح میان کسانی که در برابر ה' خودنفی‌گرند، تنها ظرفی است که برکت را در خود نگاه می‌دارد.

در هر بخش: متن عبری، سپس ترجمه، و پس از آن توضیحی کوتاه زیر خطی طلایی. شماره‌های کوچک در متن عبری، یادداشت‌های پایان متن هستند.

خلاصه مامار

این ما **מר** می‌پرسد چگونه **ה'** می‌توانست درباره سازندگان برج بابل بگوید که «هیچ چیز از آنان بازداشته نخواهد شد»، چنان‌که گویی می‌توانند برخلاف اراده او عمل کنند؛ و برج برای چه بود. بنا بر گفته ربی حییم ویتال (רבי חיים ויטאל)، آنان قصد داشتند بی‌آنکه نیکوکار باشند، جریانی از برکت را از راه نام‌های مقدس به جریان اندازند. برای توضیح این مطلب، آلتز ربه (אדמו"ר הזקן) می‌پرسد چرا در میان نام‌هایی که با مراتب تجلی (ספירות, Sefiros) متناظرند، نام **ה'** حتی بر ظرف زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes) نیز دلالت دارد. با خواندن «پتاح الياهو» (פתח אליהו, Patach Eliyahu) – «تو حکیمی، اما نه با حکمتی شناخته‌شده» – او میان مراتب تعریف‌شده عالم صدور (אצילות, Atzilus) و ریشه آن‌ها، یعنی «ده **ספ** برای نهفته» (עשר ספירות הגנוזות) تمایز می‌گذارد؛ آریزال (האריז"ל) آن‌ها را اکودیم (עקודים, Akudim؛ هم‌بسته) می‌نامد: هر ده در یک ظرف، همچون قوای روح که پیش از تقسیم‌شدن میان اندام‌های بدن، در روح یکی هستند. در نکودیم (נקודים, Nekudim؛ نقطه‌ها) هر سفیرا (ספירה, Sefirah) جداگانه ایستاده بود و ظرف‌ها شکستند (תהו, Tohu؛ آشفتگی). در تیکون (תיקון, Tikkun؛ سامان‌یافتگی) آن‌ها از راه نام **מ"ה** (שם מ"ה, Mah)، که بیانگر خودنفی‌گری است، یکدیگر را دربرمی‌گیرند؛ از این رو نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) در آن‌ها جای می‌گیرد. زیبایی و هماهنگی، صفت یعقوب (יעקב) است و خط میانی پیونددهنده؛ از این رو نام **ה'** حتی در ظرف آن نیز می‌تابد. سازندگان برج این نور برتر را تنها از راه یگانگی و بدون خودنفی‌گری می‌خواستند؛ **ה'** آنان را پراکنده ساخت، زیرا بهتر است بدکاران از یکدیگر جدا باشند، حال آنکه نیکان متحد برکت می‌آورند – صلح ظرف برکت است.

طرح کلی

- 1 پرسش برج**
چگونه ممکن بود هیچ چیز برخلاف اراده **ה'** از سازندگان بازداشته نشود، و برج برای چه بود؟ ربی حییم ویتال: آنان می‌خواستند بی‌آنکه شایسته باشند، برکت را از راه نام‌های مقدس به جریان اندازند.
- 2 نام **ה'** در ظرف زیبایی و هماهنگی**
نام‌های **אל** (Kel)، نام **אלקים** (אלקים, Elokim) و نام **ה'** با ظرف‌های مهر (חסד, Chesed)، قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) و زیبایی و هماهنگی متناظرند؛ چرا حتی ظرف زیبایی و هماهنگی نیز نام **ה'** است؟ «پتاح الياهو» طرح می‌شود.
- 3 «تو حکیمی، اما نه با حکمتی شناخته‌شده»**
حکمت ذات، ورائ هر سفیرای تعریف‌شده‌ای است. حکمت (חכמה, Chochmah) عالم صدور «شناخته‌شده» است، زیرا حکمت عوالم فروتر از آن، از راه علت و معلول فرود می‌آید؛ اما خود آن از مرتبه‌ای برتر، به صورت چیزی از هیچ پدید می‌آید.

ده سفירותِ نهفته، همان اکودیم آریزال‌اند: هر ده در یک ظرف، و بسیار فراتر از عالم صدور. این مانند قوای روح است که در روح یکی‌اند و تنها در اندام‌های بدن از یکدیگر جدا می‌شوند.

در نکودیم هر سفیرا جداگانه ایستاده است؛ همچون حرفی تنها که از کلمه‌ای جدا شده باشد. حتی اکودیم نیز از نور بی‌پایان بسیار فروتر است؛ خط نور و اثرِ باقی‌مانده همین الگو را نشان می‌دهند، و پرسشی همچنان بی‌پاسخ می‌ماند.

تُهو از آن رو شکست که سفירותِ آن جدا از یکدیگر بودند؛ در تیکون آن‌ها پارتسوفیم (פרצופים, partzufim؛ [ساختارهای کامل]) می‌سازند که یکدیگر را دربرمی‌گیرند، و نور بی‌پایان در جایی جای می‌گیرد که پیوند هست. این دربرگرفتنِ متقابل از راه نام م"ה و خوندنی‌گری حاصل می‌شود.

زیبایی و هماهنگی، خطِ میانی یعقوب است که مهر و قید و سخت‌گیری را به هم پیوند می‌دهد؛ ازاین‌رو نام ה' حتی در ظرف آن نیز می‌تابد. توراتِ ה' صلح است، و صلح از راه خوندنی‌گری حاصل می‌شود؛ خوندنی‌گری بنیادِ تورات، خدمت و مهربانی است.

آنان جریان برترِ نام ה' را تنها از راه یگانگی می‌خواستند و خوندنی‌گری را نمی‌پذیرفتند. چون یگانگی واقعاً از بالا برکت فرود می‌آورد، نقشهٔ آنان می‌توانست کارگر افتد و شر را نیرو بخشد؛ پس ה' زبانشان را درهم آمیخت. پراکنده‌کردنِ بدکاران و گردآوردنِ نیکان به جهان سود می‌رساند، زیرا صلح ظرفِ برکت است.

ده سفירותِ نهفته - עשר ספירות הגנוזות

ریشه‌های سفירות در وضعی که هنوز هیچ تقسیم‌بندی‌ای پدید نیامده است؛ همان «حکمتی که حکمتی شناخته‌شده نیست» در «پتاح الياهو». ما مر آن‌ها را با اکودیم یکی می‌داند.

اکودیم، نکودیم، پرودیم - לקודים נקודים וברודים

سه مرحلهٔ سفירות بنا بر آریزال: همه در یک ظرف بسته‌اند؛ نقطه‌هایی جدا از هم (تُهو، که ظرف‌ها در آن شکستند)؛ و ساختارهایی به‌هم‌پیوسته (تیکون).

حکمت شناخته‌شده - חכמה ידועה

حکمت تعریف‌شدهٔ عالم صدور، با ظرف ویژهٔ خود. «شناخته‌شده» نامیده می‌شود، زیرا حکمت شناخت‌پذیرِ عوالمِ فروتر، گام‌به‌گام از آن فرود می‌آید.

شمول متقابل - התכללות

هر سفیرا همهٔ سفירותِ دیگر را دربرمی‌گیرد. هرجا شمول و پیوند باشد، نوری برتر از بی‌نهایتِ مطلق (אין סוף, Ein Sof) جای می‌گیرد.

نام מ"ה שם מ"ה

نام ה' که به صورتی نوشته می‌شود که ارزش عددی‌اش ۴۵ است (Mah)، «چه». این نام بیانگر خوندنی‌گری است و شمولِ متقابلِ عالمِ تیکون را پدید می‌آورد.

چیزی از هیچ، در برابر علت و معلول - יש מאין / עילה ועלול

حاصلی که هیچ شباهتی به سرچشمهٔ خود ندارد، چنان‌که عالم صدور از آنچه برتر از آن است پدید می‌آید؛ در برابر مرتبهٔ فروتری از علتش، چنان‌که عوالمِ فروتر از عالمِ صدور پدید می‌آیند (زنجیرهٔ نزولِ عوالم، השתלשלות, hishtalshelus).

خط نور و اثرِ باقی‌مانده - הקו והרשימו

پس از انقباض (צמצום, tzimtzum)، خطِ نوری که به فضای خالی‌شده فرود آمد و ردّ نوری که باقی ماند. خطِ نور در هر عالم به‌اندازهٔ آن می‌تابد؛ اثرِ باقی‌مانده همهٔ عوالم را دربرمی‌گیرد.

پرسش برج

1 وِيَا مَرَّ ه' הָן עַם אַחַד^{1,2} וְשֵׁפָה א' לְכֻלָּם כּו' וְעַתָּה לֹא יִבְצֵר מֵהֶם וְגו'.

«و ה' گفت: بنگرید، [آنان] یک قوم‌اند و زبانی واحد برای همه ایشان» و جز آن؛ «و اکنون چیزی از آنان بازداشته نخواهد شد» و جز آن.

این مأمَر با سخنان ه' درباره سازندگان برج بابل آغاز می‌شود: چون آنان یک قوم و دارای زبانی واحد بودند، هیچ‌یک از کارهایی که قصد انجامشان را دارند از توانشان بیرون نخواهد بود. تمام این گفتار توضیح می‌دهد که چرا وحدتشان چنین نیرویی به آنان می‌بخشید.

وَلְכָאוּרָה תִּמּוּהָ אֵיךְ לֹא יִבְצֵר³ מֵהֶם נִגְד רִצּוֹנו ית' וּמִי זֶה אָמַר וְתִהְיֶה אִם⁴ ה' לֹא צוּהָ. גַּם מִה הִי' [הִיָּה] מַחֲשָׁבוֹתָם לַעֲשׂוֹת מַגְדֵּל וְרֹאשׁוּ בַשָּׁמַיִם⁵ שֶׁכֵּל זֶה תִּמּוּהָ.

اما در نگاه نخست، این امر شگفت‌آور است: چگونه ممکن بود هیچ چیز از آنان بازداشته نشود، برخلاف اراده او، تعالی شأنه؟ «چه کسی سخنی گفت و واقع شد، اگر ه' فرمان نداده باشد؟» همچنین، اندیشه آنان از ساختن برجی «که سرش در آسمان‌ها باشد» چه بود؟ زیرا همه این‌ها شگفت‌آور است.

این‌جا دو پرسش مطرح است. نخست، هیچ چیزی نمی‌تواند برخلاف اراده ه' رخ دهد - چنان‌که آیه کتاب مراثنی می‌گوید، هیچ چیز واقع نمی‌شود مگر آن‌که او فرمان دهد - پس چگونه ه' می‌توانست بگوید نقشه آنان، که با آن مخالفت داشت، به کامیابی می‌رسد؟ دوم، آنان با برجی که سرش به آسمان می‌رسید، واقعاً در پی چه بودند؟

אֵךְ הִנֵּה בִלְקוּ"ת [בלקוטי תורה (להאריז"ל)] לַהֲרַח"ו [להרבי חיים ויטאל] ז"ל [זכרוננו לברכה / זכרונם לברכה]⁶ כֹּתֵב בַּעֲנִיךְ דּוֹר הַפְּלָגָה שְׁכוּנָתָם הִי' [הִיָּה] לַהֲמָשִׁיךְ לָהֶם הַשְׁפַּעַת טוֹבָה בַּהֲכָרַח בִּכְחַשׁ שְׁמוֹשׁ הַשְּׁמוֹת⁷ אֵף אִם לֹא הָיוּ טוֹבִים כּו' ע"ש.

اما در لکوتی تורה رבי حییم ویتال (רבי חיים ויטאל)، که یادش گرامی باد، درباره نسل پراکندگی می‌نویسد که قصدشان این بود که با اجبار، از راه قدرت به‌کارگیری نام‌های [مقدس]، وفور خیر را به‌سوی خود فرود آورند، هرچند خودشان نیک نبودند و جز آن؛ به آن‌جا بنگرید.

آلتر ربی (אדמו"ר הזקן) به لکوتی تורה رבי حییم ویتال اشاره می‌کند؛ او شاگرد اصلی آریזال (האריז"ל) بود. مقصود، کتاب هم‌نام آلتر ربی نیست، بلکه اثری قبلائی از روزگاری پیش‌تر است که تعالیم آریزال درباره تورا را، چنان‌که رבי حییم ویتال ثبت کرده، در بر دارد. او در آن‌جا توضیح می‌دهد که سازندگان برج می‌خواستند با به‌کارگیری نام‌های مقدس، وفور برکت را به اجبار به‌سوی خود فرود آورند و از بالا خیر دریافت کنند، هرچند خودشان نیک نبودند؛ ادامه این مأمَر توضیح می‌دهد که چنین چیزی چگونه می‌توانست ممکن باشد و چرا ه' مانع آن شد.

نام ه' در ظرف زیبایی و هماهنگی

2 **وַיֹּאמֶר הָעֵנִין יוֹבֵן בְּמִ"שׁ בְּכֹהֲאֲרִיז"ל** [בכתבי האריז"ל] **וּבְפֶרְדֵּס⁸ בְּעֵנִין ז' שְׁמוֹת שְׁאִינָן נִמְחָקִין^{9,10} שֵׁם אֵל בְּחֶסֶד שֵׁם אֱלֹקִים בְּגִבּוּרָה וְשֵׁם הוֹי"ה בְּתַפְאֶרֶת.**

تبیین مطلب از آنچه در نوشته‌های آریزال (האריז"ל) و در پردس (פרדס رمונים) دربارهٔ هفت نامی که محوکردنشان روا نیست آمده، روشن می‌شود: نام کِل (אל, Kel) در مهر (חסד, Chesed)، نام אלקים (אלקים, Elokim) در قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah)، و نام چهارحرفی (ה', Havayah) در زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes).

تلمود هفت نام از نام‌های ه' را برمی‌شمرد که محوکردنشان روا نیست. آریزال و ربی موشه کوردورو (רבי משה קורדובירו) در اثرش، پردس ریمونیم (פרדס رمונים)، این نام‌ها را با مراتب تجلی (ספירות, Sefiros) متناظر می‌دانند: نام کِل را با مهر، نام אלקים را با قید و سخت‌گیری، و نام چهارحرفی ه' را با زیبایی و هماهنگی.

וּפִי' דִּהְיִינוּ בִּהְכָלִים דְּחַג"ת [דחסד גבורה תפארת] **כִּי הָאֹר הוּא בְּכוֹלָם מִשֵּׁם הוֹי"ה וְרַק בִּהְכָלִים הוּא בְּחֶסֶד שֵׁם אֵל כו'.**

توضیح این است که مقصود، ظرف‌های مهر، قید و سخت‌گیری و زیبایی و هماهنگی است؛ زیرا نور هر سه از نام ه' است و تنها در ظرف‌هاست که در مهر، نام کِل است و الی آخر.

هر مرتبهٔ تجلی هم نوری دارد - یعنی آشکارگی درون آن - و هم ظرفی، یعنی صورتی که آن را در خود جای می‌دهد. آلتِر ربه توضیح می‌دهد که نور همهٔ آنها از نام ه' است؛ نام‌های متفاوت فقط به ظرف‌ها مربوط‌اند، زیرا ظرف‌ها به هر مرتبهٔ تجلی ویژگی خاص آن را می‌بخشند.

وּבְתַפְאֶרֶת אִפִּי' [אפילו] בִּהְכָלִי מֵאִיר שֵׁם הוֹי"ה¹¹ (וְעַמ"שׁ בִּפ' בֹּא¹² בִּפְסוֹק בַּעֲצֵם הַיּוֹם הַזֶּה).¹³ וְלִהְבִּין זֶה מִפְּנֵי מָה בְּתַפְאֶרֶת הוּא הַכֹּלִי ג"כ מִבְּחִי שֵׁם הוֹי"ה¹⁴ מִשְׁא"כ בְּשֵׁאֲרֵי הַסְּפִירָה [הספירה / הספירות].

اما در زیبایی و هماهنگی، حتی در ظرف نیز نام ه' می‌تابد (و بنگرید به آنچه در پاراشای «بو» (בא) دربارهٔ آیهٔ «در خود همان روز» آمده است). [باید] این را فهمید: چرا در زیبایی و هماهنگی، ظرف نیز از مرتبهٔ نام ه' است، حال آنکه در دیگر مراتب تجلی چنین نیست؟

زیبایی و هماهنگی استثناست: حتی ظرف آن نیز نام ه' است، نه فقط نورش (پرانتر خواننده را به گفتار آلتِر ربه در **تורה اور**، پاراشای **בא**، دربارهٔ «در خود همان روز همهٔ لشکرهای ه' از سرزمین مصر بیرون رفتند» ارجاع می‌دهد). چرا زیبایی و هماهنگی با دیگر مراتب تجلی تفاوت دارد؟ پاسخ در بند ۱۲ می‌آید، پس از توضیح طولانی دربارهٔ چگونگی دربرگرفته‌شدن مراتب تجلی در یکدیگر.

ויש להבין מ"ש במאמר דפתח אליהו¹⁵ אנת הוא דאפיקת עשר תיקונין וקרינן להון עשר ספירן. חסד דרועא ימינא כו' חכמה מוחא בינה לבא¹⁶ כו'.

و باید آنچه در گفتار «الياهو گشود» آمده نیز فهمیده شود: «تو همان هستی که ده تیکونین (תיקונין, tikkunim; اصلاحات) را پدید آوردی و ما آنها را ده مرتبه تجلی می‌نامیم ... مهر، بازوی راست و الی آخر؛ حکمت (חכמה, Chochmah)، مغز؛ فهم (בינה, Binah)، دل» و الی آخر.

برای آماده کردن زمینه پاسخ، آیتِ رَبَّه به «الياهو گشود» (Patach Eliyahu)، قطعه مشهورِ آغازینِ مقدمه تیکونی زوهر (תיקוני זוهر)، اثری همراه با زوهر (זהר)، کتاب بنیادینِ قبلا، روی می‌آورد؛ این قطعه با سخنانی آغاز می‌شود که پیامبر الياهو (אליהו) بر زبان می‌آورد. این قطعه از پدید آوردنِ ده «تیکونین» به دستِ ה' سخن می‌گوید؛ همان ده مرتبه تجلی، و آنها را با اندام‌های بدن متناظر می‌سازد: مهر، بازوی راست است؛ حکمت، مغز؛ و فهم، دل.

بخش 3 • 31-5

«تو حکیمی، اما نه با حکمتی شناخته شده»

3 وکل سفירה ایت לה שם ידיעא כו' ואנת لית לך שם ידיעא אנת הוא
מבין ולא בבניה ידיעא.¹⁷

«و هر یک از مرتبه‌های تجلی (سفירה, Sefirah) نامی شناخته شده دارد، و غیره؛ اما تو نامی شناخته شده نداری. تو حکیمی، اما نه با حکمتی شناخته شده؛ تو می‌فهمی، اما نه با فهمی شناخته شده.»

در پتاح الياهو (פתח אליהו, Patach Eliyahu) ادامه می‌دهد: هر سفירה «نامی شناخته شده» دارد – هویتی معین و تعریف شده – اما خودِ او هیچ نامی ندارد. او حکیم است، اما نه با حکمتی که بتوانیم تعریف کنیم؛ او می‌فهمد، اما نه با فهمی که بتوانیم تعریف کنیم.

דהנה תחלה הזכיר חו"ב [חכמה وבינה] חכמה מוחא وבינה לבא ומהו שאמר אח"כ אנת הוא חכים דאין ר"ל
[רוצה לומר] אנת הוא חכים שמתלבש באותו בחי' חכמה שהזכיר תחלה שהוא מהע"ס [מהעשר سفירות].

زیرا نخست از حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) یاد شده است – «حکمت، مغز؛ و فهم، قلب» – پس وقتی پس از آن می‌گوید «تو حکیمی»، مقصود چیست؟ مقصود این نیست که «تو حکیمی» به این معنا باشد که او در همان مرتبه حکمت که نخست از آن یاد شد، پوشیده است؛ مرتبه‌ای که یکی از ده مرتبه تجلی (سفירות, Sefiros) است.

نکته دشوار این است که متن همین الآن حکمت را «مغز» و فهم را «قلب» نامیده است. پس «تو حکیمی» نمی‌تواند به این معنا باشد که او در آن حکمت، که یکی از ده سفירות است، پوشیده شده است؛ وگرنه فقط سخن پیشین را تکرار می‌کرد.

דמדקאמר וכל ספירה אית לה שם ידיעא ואנת לית לך שם ידיעא אנת הוא חכים. זה מורה דפי' אנת הוא חכים הוא ג"כ בבחי' דלית לך שם ידיעא.

זیرא از این گفته که «هر **سפירה** نامی شناخته شده دارد، اما تو نامی شناخته شده نداری؛ تو حکیمی» برمی آید که معنای «تو حکیمی» نیز در همان چارچوب «تو نامی شناخته شده نداری» است.

بافت سخن این را ثابت می کند: «تو حکیمی» بلافاصله پس از «تو نامی شناخته شده نداری» می آید. پس حکیم بودن او نیز باید ورای هر نام معین باشد - حکمتی که یکی از **سפירות** شناخته شده نیست.

4 **ואלו בהתלבשות אור א"ס ב"ה בע"ס [בעשר ספירות] דאצי' אזי נקרא הוא ית' בשם לפי הספי' [הספירה /**

הספירות] שמתלבש בה

اکنون، هنگامی که نور بی پایان (**اور אין سوف**, Or Ein Sof)، متبارک باد او، در ده مرتبه تجلی (**سفירות**, Sefiros) عالم صدور (**اצלילות**, Atzilut) متلبس می شود، خود او، متبارک باد او، به نامی خوانده می شود که با مرتبه تجلی ای (**سفירה**, Sefirah) که در آن متلبس است متناسب باشد،

هنگامی که نور بی پایان در **سفירות** عالم **اצלילות**، عالی ترین عالم، متلبس می شود، **ه'** به نامی خوانده می شود که به همان **سفירה** تعلق دارد - همان گونه که در فهرست هفت نام بالا آمده است.

כמ"ש בפרדס שער השמות^{18,19} באריכות וכנ"ל שם אל בחסד כו'. וא"כ איך יתכן בחי' אנת הוא חכים וגם לית לך שם ידיעא.²⁰

چنان که به تفصیل در پردس ریمونیم (**פרدس ریمونیم**)، در «دروازه نامها» نوشته شده است، و چنان که [گفته شد]، نام «**کل**» (**אל**, Kel) در مهر (**חסد**, Chesed) و جز آن. پس اگر چنین است، چگونه می توان از مرتبه «تو دانایی» و نیز از «هیچ نام شناخته شده ای نداری» سخن گفت؟

این مطلب در پردس ریمونیم، در «دروازه نامها»، به تفصیل آمده است. بنابراین پرسش دشوارتر می شود: اگر سخن گفتن از **ه'** به عنوان «حکیم» به این معنا باشد که او در یک **سفירה** است، پس باید نامی شناخته شده داشته باشد - پس چگونه تیکونی زوهر (**تیکونی زهر**) می تواند هر دو را بگوید: «تو حکیمی» و «هیچ نام شناخته شده ای نداری»؟

אלא הפי' דמתחלה אמר אנת הוא חד ולא בחושבן ואע"ג [ואף על גב] דאפיקת עשר תקונין²¹ שהם ע"ס [עשר ספירות] דתקון דאצי' אשר כל ספירה היא בחינה מיוחדת מזולתה חכמה חסד כו'

بلکه مقصود چنین است: نخست گفته شد: «تو یکی هستی، اما نه به شمارش»؛ و با آن که «ده آرایش (تکونین، tikkunim) پدید آوردی»، که همان ده **سپירות** عالم «تیکون» — یعنی اصلاح و سامان بخشی (تیکون، Tikun) — در **اصیلول** هستند، که در آن‌ها هر **سپירה** مرتبه‌ای متمایز از دیگری است — حکمت (**حکמה**، Chochmah)، **חסد** و جز آن —

پاسخ از آغاز عبارت شروع می‌شود: «تو یکی هستی، اما نه به شمارش»؛ یگانگی **ה'** از جنس «یکی» در شمارش نیست. بالاین حال، او ده **سپירות** متمایز عالم **تیکون** در **اصیلول** را پدید آورد، که هر یک با دیگری کاملاً تفاوت دارد.

וא"כ הוה ס"ד שגם בהעצמות יש ח"ו [חס ושלום] ג"כ בחינות מיוחדות חכמה חסד כו' לזה אומר שאינו כן כי בחי' אנת הוא חכים הוא ולא בחכמה ידיעא.

پس ممکن بود چنین پنداشته شود که در ذات **ה'** نیز، مبادا، مراتب متمایزی چون **حکמה**، **חסد** و جز آن وجود دارد. برای همین می‌گوید که چنین نیست؛ زیرا مرتبه «تو حکیمی» به این معناست که «نه با حکمتی شناخته شده».

ممکن است کسی چنین ببیند که چون **سپירות** از یکدیگر متمایزند، ذات خود **ה'** نیز اجزای جداگانه دارد — حکمتی در این سو و مهری در آن سو. الیاهو این را رد می‌کند: در ذات، «حکمت» هست، اما نه حکمتی معین و شناخته شده که از بقیه جدا باشد.

ר"ל [רוצה לומר] כי חכמה דאצי' נק' חכמה ידיעא אע"פ [אף על פי] שהיא ג"כ באמת למעלה מעלה ממדות חכמה דבי"ע מ"מ כיון

یعنی: **حکמה** **اصیلول** «حکمتی شناخته شده» خوانده می‌شود. هرچند آن نیز در حقیقت بسیار، بسیار فراتر از ماهیت حکمت عالم آفرینش (**حکמה**، Chochmah)، عالم صورت بخشی (**יצירה**، Yetzirah) و عالم عمل (**עשיה**، Asiyah) است، بالاین همه، از آن جا که

حکمت حکמה در عالم **اصیلول** «حکمتی شناخته شده» خوانده می‌شود. این حکمت به طور بی اندازه‌ای فراتر از حکمت سه عالم فرودین **بریا**، **יצירה** و **عשיה** است؛ بالاین همه، بخش بعدی توضیح می‌دهد که چرا حتی آن نیز «شناخته شده» خوانده می‌شود.

שהיא מקור ושרש להן נקראת חכמה ידיעא והיינו ששם הוא בחי' כלים ממש חכמה יש לה כלי בפ"ע [בפני עצמו] בינה בפ"ע [بفني עצمو].

از آن جا که سرچشمه و ریشه آن هاست، «حکمتی شناخته شده» خوانده می‌شود. یعنی در آنجا مرتبه ظرف‌های واقعی وجود دارد: **حکמה** ظرفی مخصوص خود دارد و فهم (**בינה**، Binah) نیز ظرفی مخصوص خود.

چون سرچشمه و ریشه حکمت آن هاست، و چون در **اصیلول** ظرف‌های واقعی و جداگانه وجود دارد — **حکמה** در ظرف مخصوص خود و **بیנה** در ظرف مخصوص خود — حکمت **حکמה** در عالم **اصیلول** حکمتی معین و «شناخته شده» به شمار می‌آید.

5 וזהו דייקא בע"ס [בעשר ספירות] דאצילוי' [דאצילות]. אבל מה דאנת הוא חכים הוא לא בחכמה ידיעא כלל

עד שהתהוות חכמה דאצי' מבחי' אנת הוא חכים הוא

و این مطلب مشخصاً در ده مرتبه از مراتب تجلی (سפירות, Sefiros) عالم صدور (אצילות, Atzilus) است. اما آنچه درباره‌اش گفته می‌شود «تو حکیمی»، اصلاً از سنخ حکمت شناخته شده نیست؛ تا آنجا که پیدایش حکمت (חכמה, Chochmah) عالم صدور از مرتبه «تو حکیمی»...

مراتب شناخته شده به عالم صدور تعلق دارند. حکمت «تو حکیمی» اصلاً حکمت شناخته شده‌ای نیست؛ فاصله میان این دو چنان کامل است که پیدایش حکمت عالم صدور از آن، همچون پیدایش چیزی از نیستی است.

ע"ד התהוות יש מאין ולא בחי' עילה ועלול כלל ולא ע"ד התהוות חכמה דבי"ע מחכמה דאצי' שזה נק'

ג"כ השתלשלות שלכך נק' חכמה דאצי' חכמה ידיעא ואיך היא ידיעא

به شیوه پدیدآمدن موجود از نیستی (יש מאין, yesh me'ayin) است، نه به هیچ وجه به صورت علت و معلول؛ و نه مانند پیدایش حکمت عوالم آفرینش (بریا، Beriah)، صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (عשיה, Asiyah) از حکمت عالم صدور، که آن نیز زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) نامیده می‌شود. از همین رو حکمت عالم صدور «حکمت شناخته شده» نامیده می‌شود. و چگونه «شناخته شده» است؟

در اینجا دو نوع پیدایش با یکدیگر سنجیده می‌شوند. پدیدآمدن موجود از نیستی (yesh me'ayin) یعنی نتیجه هیچ شباهتی به سرچشمه خود ندارد؛ اما علت و معلول یعنی معلول، مرتبه‌ای فروتر از علت خویش است. حکمت عوالم فروتر از حکمت عالم صدور به شیوه دوم پدید می‌آید؛ از این رو بخشی از زنجیره نزول عوالم (hishtalshelus) به شمار می‌رود.

אלא שלפי שחכמה דבי"ע נתהווה ממנה ע"י השתלשלות [השתלשלות] והיא גלויה וידועה לכך גם החכמה

דאצי' נק' חכמה ידיעא.²²

تنها از آن رو که حکمت عوالم آفرینش، صورت بخشی و عمل به واسطه **השתלשלות** از آن پدید آمده و آشکار و شناخته است، حکمت عالم صدور نیز «حکمت شناخته شده» نامیده می‌شود.

این مطلب معنای نام «شناخته شده» را روشن می‌کند: حکمت عوالم فروتر، که گام به گام از حکمت عالم صدور پدید می‌آید، آشکار و شناختنی است. چون آنچه از آن فرود می‌آید شناخته است، سرچشمه‌اش، یعنی حکمت عالم صدور، نیز «شناخته شده» نامیده می‌شود.

سفירות نهفته و اکودیم، با تمثیل روح

6 וכמו ע"ד שנק' אדם דאצי' אדם דעשייה. משא"כ בחי' אנת הוא חכים הוא לא בחכמה ידיעה וזהו הנק' בלשון הפרדס עשר ספירות הגנוזות²³ במאצילן שע"ז אמר אנת הוא חכים כו'.

و همان گونه که آدم عالم صدور (אצילות, Atzilus)، آدم عالم عمل (עשיה, Asiyah) نامیده می شود، مرتبه «تو حکیمی» چنین نیست که حکمتی شناخته شده باشد؛ و این همان چیزی است که در زبان Pardes Rimonim (פרדס رمונים)، «ده مراتب تجلی (سفירות, Sefiros) پنهان در مبدأ فیض خود» نامیده می شود؛ و درباره آن گفته شده است: «تو حکیمی» و الی آخر.

«آدم» (Adam) نام قبالیستی ساختار کامل ده مرتبه ای سفیروت در یک عالم است. حتی آدم عالم صدور، که در قیاس با آنچه پایین تر از آن است بسیار والا محسوب می شود، در قیاس با آنچه بالاتر از آن است همچون پایین ترین عالم، عالم عمل، است. حکمتی که در عبارت «تو حکیمی» به آن اشاره شده، همان چیزی است که Pardes Rimonim آن را «ده مراتب تجلی پنهان در مبدأ فیض خود» می نامد؛ یعنی ریشه های مراتب تجلی، آن گونه که در خود ه' هستند.

וענין זה עולה בקנה אחד עם מ"ש בע"ח [בעץ חיים] שיש עקודים נקודים וברודים והיינו שבעקודים כל הע"ס [העשר ספירות] הם עקודים בכלי א' ואין שם שום

این مطلب کاملاً با آنچه در **עץ חיים (עץ חיים)** نوشته شده است همخوانی دارد: اینکه عوالم «بسته به هم» (عقودים, Akudim)، «نقطه ها» (נקודים, Nekudim) و «به هم پیوسته ها» (ברודים, Berudim) وجود دارند. یعنی در Akudim، هر ده مرتبه تجلی در یک ظرف به هم بسته اند، و در آنجا هیچ

عץ حיים اثر آریزال (האריז"ל)، سه مرحله آغازین مراتب تجلی را توصیف می کند: Akudim («بسته به هم»)، Nekudim («نقطه ها») و Berudim («به هم پیوسته ها»). این نام ها واژه هایی هستند که تورا برای گله های «راه راه، خال خال و لکه دار» یعقوب (יעקوب, Yaakov) به کار می برد (بند ۱۲). در Akudim، هر ده مرتبه در یک ظرف واحد جای دارند و هیچ جدایی ای میان آنها نیست.

התחלקות כלל לע"ס [לעשר ספירות]²⁴ **ובנקודים הוא שנחלקו לעשר נקודות וברודים הוא עולם התקון בחי' פרצופים כו' וז"ש** [וזהו שכתוב] **אליהו אתה הוא דאפיקת עשר תקונין שהם ע"ס** [עשר ספירות] **דברודים.**

تقسیمی به ده مراتب تجلی وجود ندارد؛ در Nekudim، آنها به ده نقطه تقسیم شدند؛ و Berudim عالم اصلاح (תיקון، Tikkun)، مرتبه پارتسوفیم (פרצופים، partzufim؛ پیکربندی‌ها) و مانند آن است. و این همان است که الياهو (אליהו) گفت: «تو آنی که ده اصلاح (תיקונים، tikkunim) را پدید آوردی»؛ یعنی ده مراتب تجلی Berudim.

در Nekudim، مراتب تجلی از هم جدا می‌شوند و به ده نقطه منفرد بدل می‌گردند؛ این همان عالم Tohu (תהו، Tohu؛ آشوب) است که گفتار (مأمور) آن را توضیح خواهد داد. در Berudim، عالم Tikkun، آنها پارتسوفیم را تشکیل می‌دهند—پیکربندی‌های کاملی که در هر مرتبه تجلی، مراتب دیگر نیز در بر گرفته شده‌اند. «ده اصلاح» الياهو همین مراتب تجلی Berudim هستند.

אמנם שרשם ומקורם שהם בחי' עקודים הרי הם בכלי א' ממש כל הבחי' חו"ב [חכמה ובינה] **כו' והיינו לפי שהם למעלה מעלה ממדות בחי' חכמה ובינה הידועים דאצילות**

اما ریشه و سرچشمه آنها، یعنی مرتبه Akudim، همان‌جاست که همه مراتب، از جمله حکمت (חכמה، Chochmah) و فهم (בינה، Binah) و مانند آن، حقیقتاً در یک ظرف‌اند. دلیلش این است که آنها بسیار بسیار بالاتر از ماهیت مراتب شناخته‌شده حکمت و فهم عالم صدور هستند.

سرچشمه آنها، Akudim، جایی است که حکمت، فهم و دیگر مراتب حقیقتاً در یک ظرف‌اند. این امر ممکن است، زیرا این مرتبه بسیار بالاتر از حکمت و فهم معین و تعریف‌شده عالم صدور است.

(והתהוות חכמה ובינה דאצילות הוא יש מאין היינו ע"י צמצום א"ק [אדם קדמון] וצמצום הדיקנא²⁵ עד דא"א [דאבא ואימא] יונקים רק מבחי' שערות כו' משא"כ מאצי' לבריאה אינו רק ע"י פרסא שאינו מערך הצמצומים אלו שבין א"ק [אדם קדמון] לאצילות ולכן נק' ²⁶ השתלשלות)

(و پدید آمدن حکمت و فهم عالم صدور، چیزی از نیستی است؛ یعنی از طریق انقباض (צמצום، tzimtzum) آدم قَدْمُون (آدم کدمون، Adam Kadmon) و انقباض ریش (דיקנא، dikna)، تا آنجا که پدر و مادر (אבא ואימא، Abba v'Imma) تنها از مرتبۀ موها (שערות، se'aros) فیض می‌گیرند و مانند آن؛ حال آنکه از عالم صدور به عالم آفرینش، تنها یک پَرسا (פרסא، parsa؛ حجاب) وجود دارد؛ و این از سنخ این انقباضها نیست که میان آدم قَدْمُون و عالم صدور رخ می‌دهند؛ ازاین‌رو آن را زنجیرۀ نزولِ عوالم (השתלשלות، hishtalshelus) می‌نامند.)

توضیحی داخل کروش: میان آدم قَدْمُون—مرتبۀ ازلی بالاتر از عالم صدور—و عالم صدور، انقباض‌های شدیدی وجود دارند: انقباض آدم قَدْمُون و انقباض «ریش»؛ در نتیجه، پدر و مادر (حکمت و فهم عالم صدور) تنها از طریق «موها» دریافت می‌کنند. قبلاً مرتبۀ بالاتر از عالم صدور را همچون سری با ریش تصویر می‌کند؛ هر مو فقط ردی کم‌رنگ از حیات سر را منتقل می‌کند، پس دریافت از طریق «موها» جهشی است که در آن چیزی از نیستی پدید می‌آید. میان عالم صدور و عالم آفرینش، تنها یک پَرسا، یعنی حجاب، وجود دارد؛ نه انقباضی از آن سنخ. بنابراین، گذر از آنجا زنجیره‌ای پیوسته از نزول است.

ولכן נקראים בשם ע"ס [עשר ספירות] הגנוזות. ויובן עד"מ כי הנה כחות הנפש²⁷ המתלבשים באברי הגוף הרי הם מתחלקים כל כח מהות בפ"ע [בפני עצמו] ובאבר מיוחד בפ"ע [בפני עצמן].

ازاین‌رو، آن‌ها را «ده مراتب تجلی پنهان» می‌نامند. این مطلب با یک تمثیل روشن می‌شود: نیروهای جان که در اندام‌های بدن جای می‌گیرند، از یکدیگر جدا هستند؛ هر نیرو ماهیتی متمایز و اندامی ویژه خود دارد.

به همین دلیل است که آن‌ها «پنهان» نامیده می‌شوند. برای توضیح، آلتره‌ربه به جانِ انسان می‌پردازد: نیروهای آن، هنگامی که در بدن جای می‌گیرند، از یکدیگر متمایزند و هرکدام از طریق اندام ویژه خود عمل می‌کنند.

כח הראיה בעין וכח השמיעה באוזן וכח המעשה בידים. וכן בכחות עליונים מהן כח השכל במוח וכח המדות בלב.

نیروی بینایی در چشم است، نیروی شنوایی در گوش و نیروی عمل در دست‌ها. همین‌طور در میان نیروهای برتر، نیروی عقل در مغز و نیروی صفات عاطفی (مדות، middos) در قلب است.

بینایی از طریق چشم، شنوایی از طریق گوش و عمل از طریق دست‌هاست؛ نیروهای برتر نیز چنین‌اند: عقل در مغز و عواطف در قلب. در بدن، هر نیرو متمایز است و جایگاه خاص خود را دارد.

7 והנה כל כחות אלו נמשכים ומתפשטים מן הנפש האחת שהיא עצם²⁸ א' וא"כ החילוקי כחות הנ"ל כשהיו עדיין כלולים בהנפש ודאי היו כולם בהתכללות אחת ממש בלי שום התחלקות וכמו שהנפש היא עצם א'.

اکنون همه این قوا از نفس یگانه‌ای امتداد می‌یابند و گسترش پیدا می‌کنند؛ نفسی که جوهری واحد است. بنابراین، قوای متمایز یادشده، هنگامی که هنوز در نفس مندرج بودند، بی‌تردید همگی در شمولی واحد و به معنای واقعی کلمه، بی‌هیچ‌گونه تقسیمی، حضور داشتند؛ همان‌گونه که خودِ نفس جوهری واحد است.

همه قوای نفس از یک نفس سرچشمه می‌گیرند و خودِ نفس جوهری واحد و بسیط است. بنابراین، پیش از آنکه این قوا در بدن امتداد یابند و هنگامی که هنوز در نفس بودند، باید کاملاً درهم‌آمیخته و بی‌هیچ جدایی بوده باشند.

8 ואיך הוא זה והלא אנו רואים ראייה ושמיעה הם שני בחינות שונות זו מזו אלא ודאי משום כשהיו בחי' וכگونه چنین چیزی ممکن است؟ مگر نمی‌بینیم که دیدن و شنیدن دو مرتبه متفاوت از یکدیگرند؟ پس به قطع، باید چنین باشد که هنگامی که

اعتراضی است: دیدن و شنیدن آشکارا دو چیز متفاوت‌اند. پس چگونه ممکن است در نفس «یکی» باشند؟

کחות אלו بنפש הם בבחי' דקה ורוחני' יותר לאין שיעור מכשהם אח"כ בגוף החומרי עד ששם הם כולם מיוחדים כאלו הם רק דבר²⁹ א' ממש.

این قوا در نفس بودند، در مرتبه‌ای بی‌نهایت لطیف‌تر و روحانی‌تر از آنچه بعداً، هنگامی که در بدن جسمانی هستند، می‌یابند؛ تا آنجا که در آن مرتبه، همگی چنان متحدند که گویی حقیقتاً تنها یک چیزند.

پاسخ این است: این قوا در نفس، صورتی بی‌نهایت لطیف‌تر و روحانی‌تر از صورتشان در بدن دارند؛ از این‌رو، در آنجا حقیقتاً به صورت یکی متحدند. این الگو، مبنایی برای مراتب تجلی (سפירות, Sefiros) خواهد بود؛ مراتب متمایزی که در عالم صدور (אצילות, Atzilus) ده چیزند، اما در ریشه پنهانشان یکی هستند.

9 ועד"ז יובן הנמשל שענין ע"ס [עשר ספירות] דאצי' שהם כל בחי' בכלי בפ"ע [בפני עצמו]³⁰ חכמה בחי' בפ"ע [בפני עצמו] וחסד בפ"ע [בפני עצמו] כו'

به همین ترتیب، نمونه مورد نظر روشن می‌شود: ده مرتبه تجلی (سفירות, Sefiros) در عالم صدور (אצילות, Atzilus)، هر یک مرتبه‌ای در ظرفی جداگانه است—حکمت (חכמה, Chochmah) مرتبه‌ای جداگانه و مهر (חסד, Chesed) نیز مرتبه‌ای جداگانه، و همین‌طور.

اکنون تمثیل بر این موضوع تطبیق داده می‌شود. مراتب تجلی عالم صدور، مانند قوای جان هستند هنگامی که در بدن جای می‌گیرند: هر یک متمایز است و ظرف خاص خود را دارد—حکمت در یک‌سو و مهر در سوی دیگر.

אבל בשרשן בבחי' ע"ס [עשר ספירות] הגנוזות הם בעילוי יותר דק ונעלה לאין קץ עד ששם הם כולם רק דבר א' ממש וזהו שהן עקודים בכלי א' ממש.

اما در ریشه خود، در مرتبه ده مرتبه پنهان تجلی، در حالتی بی نهایت لطیف تر و والاترند؛ تا آنجا که در آنجا همگی حقیقتاً تنها یک چیزند. و این همان معنای [این است که] آنها **عقودیم** (Akudim) [به هم بسته] هستند، در حقیقت در یک ظرف واحد. ریشه آنها، یعنی ده مرتبه پنهان تجلی، مانند قوای جان در خود جان است: چنان لطیف و والا که همگی یک چیزند. معنای «عقودیم» همین است—همه مراتب تجلی در یک ظرف به هم بسته اند.

וזה שבאצי' חכמה וחסד הם שני דברים שונים זמ"ז [זה מזה] היינו לפי שחכמה דאצי' אינה בערך כלל מהות החכמה דעקודים וכנ"ל שהיא הנק' חכמה ידיעה.

و اینکه در عالم صدور، حکمت و مهر دو چیز متفاوت از یکدیگرند، از آن روست که حکمت عالم صدور اصلاً با حقیقت حکمت **عقودیم** سنجیدنی نیست؛ و چنانکه [پیش تر] گفته شد، همان چیزی است که «حکمتی شناخته شده» نامیده می شود. پس چرا حکمت و مهر در عالم صدور دو چیز جداگانه اند؟ زیرا حکمت عالم صدور از مرتبه ای دیگر از هستی است و اصلاً با حکمت **عقودیم** قابل قیاس نیست؛ نه اینکه صرفاً نسخه ای اندکی فروتر از آن باشد. از همین رو «حکمتی شناخته شده» نامیده می شود، حال آنکه حکمت **عقودیم** چنین نیست.

بخش 5 • 101

نزول به نکودیم

10 והנה אח"כ נמשך בחי' עולם הנקודים ושם כל ספי' [ספירה / ספירות] בפ"ע [בפני עצמו] והן עשר נקודות. והיינו שכבר ירדו בירידה גדולה ממדרגת ע"ס [עשר ספירות] דעקודים שהן כולם דבר א' כנ"ל משא"כ בע"ס [בעשר ספירות] דנקודים וזהו כמו בחי' חכמה ידיעה כו'.

اکنون، پس از آن، مرتبه عالم **נקودים** (Nekudim، «نقاط») پدیدار شد؛ در آنجا هر یک از **سفירות** (مراتب تجلی، Sefiros) به تنهایی است و آن‌ها ده نقطه اند. یعنی آن‌ها پیش تر از مرتبه ده **سفירות** عالم **عقودیم** (Akudim) نزولی بزرگ کرده بودند؛ درحالی که در **عقودیم** همگی یک چیزند، چنانکه [پیش تر گفته شد]؛ اما در ده **سفירות** **נקودیم** چنین نیست. و این مانند مرتبه «حکمتی شناخته شده» است و الی آخر.

پس از **عقودیم**، عالم **נקودیم** («نقاط») آمد که در آن هر سفیرا به تنهایی، همچون نقطه ای جداگانه، قرار دارد. این نزولی بزرگ از **عقودیم** است؛ جایی که همه یکی هستند. اکنون **سفירות** **נקودیم** تعریف شده و جدا از یکدیگرند، مانند «حکمتی شناخته شده».

(והרי מובן גודל הצמצום והירידה כי מלבד זה שבעקודים וע"ס [ועשר ספירות] הגנוזות היו בעילוי רב יותר עד שנק' חכים ולא בחכמה ידיעא כנ"ל.

(و بدین ترتیب، بزرگی انقباض (צמצום, tzimtzum) و نزول فهمیده می‌شود؛ زیرا گذشته از این‌که در عקودים و ده ספירות نهفته در مرتبه‌ای بسیار بالاتر بودند، تا آنجا که «حکیم است، اما نه با حکمتی شناخته‌شده» نامیده می‌شود، چنان‌که [پیش‌تر گفته شد]،

این میان‌پرانتز طولانی توضیح می‌دهد که نزول از عקودים به נקודים تا چه اندازه بزرگ است. نخستین تفاوت پیش‌تر بیان شده است: در عקودים، حکمت چنان متعالی است که «حکیم است، اما نه با حکمتی شناخته‌شده».

הרי עוד זאת כי התם כיון שכולן בכלי א' ואין בהם שום התחלקות א"כ בהמשכת בחי' חכמה עד"מ הרי יש בזה כל הע"ס [העשר ספירות] הגנוזות יחד ולא בחי' חכמה בפ"ע [בפני עצמו] כיון דהתם אין חכמה בחי' בפ"ע [בפני עצמו] כלל לבדה.

گذشته از این، نکته دیگری نیز هست: چون در آنجا همه در یک ظرف‌اند و هیچ‌گونه تقسیمی میان‌شان نیست، پس هنگامی که مرتبه حکمت (חכמה, Chochmah) را، برای مثال، پدیدار می‌کنند، هر ده ספירות نهفته با هم در آن حضور دارند، نه مرتبه حکمت به تنهایی؛ زیرا در آنجا اصلاً حکمت مرتبه‌ای مستقل و جداگانه نیست.

تفاوت دوم این است که چون در عקودים همه چیز در یک ظرف است، هرچه از «حکمت» آن پدیدار شود، در واقع هر ده ספירות نهفته را یک‌جا در خود دارد. در آنجا چیزی به نام حکمت به تنهایی وجود ندارد.

כ"א כל הע"ס [העשר ספירות] הגנוזות הם דבר³¹ א' ממש. א"כ אין שייך כלל לומר המשכת חכמה בפ"ע [בפני עצמו] כ"א המשכת דבר הנק' ע"ס [עשר ספירות] הגנוזות כו' יחד.

بلکه هر ده ספירות نهفته حقیقتاً یک چیزند. پس اصلاً نمی‌توان از پدیدارشدن حکمت به تنهایی سخن گفت؛ تنها می‌توان از پدیدارشدن آن چیزی سخن گفت که «ده ספירות نهفته» نامیده می‌شود، و آن‌ها با هم‌اند و الی آخر.

بنابراین، در عקودים حتی نمی‌توان از پدیدارشدن حکمت به تنهایی سخن گفت. آنچه پدیدار می‌شود، کل یکپارچه‌ای است که «ده ספירות نهفته» نام دارد.

משא"כ בבחי' ע"ס [עשר ספירות] דנקודים נתצמצם להיות חכמה נמשכת בחי' א' לבדה ממש וכן חסד כו'.

اما در مرتبه ده ספירות נקודים، انقباضی پدید آمد تا حکمت به صورت مرتبه‌ای مستقل و به تنهایی پدیدار شود؛ و همچنین مهر (חסד, Chesed) و الی آخر.

در נקודים، نور منقبض شد؛ از این‌رو حکمت به صورت مرتبه‌ای مستقل پدیدار می‌شود، مهر به تنهایی و به همین ترتیب. کل به اجزایی تقسیم شده است.

והרי מובן שאין ערוך כלל בחי' חכמה כשהיא בפ"ע [בפני עצמו] לבחי' הכוללת כל הע"ס [העשר ספירות] יחד
ממש וכמו שאין ערוך אות אחת הנפרדת מתיבת למשפחותיכם^{32, 33, 34} עד"מ לגבי התיבה כולה כשהיו
כל האותיות יחד.

پس روشن است که مرتبۀ حکمت به تنهایی، اصلاً با مرتبه‌ای که هر ده **سپירות** را حقیقتاً یکجا دربرمی‌گیرد قابل مقایسه نیست؛
درست مانند یک حرفِ جدا شده از واژه **لמשפחותיכם** (lemishpechoseichem، «برحسب خاندان‌هایتان»)، برای مثال، که با
کلِ واژه – زمانی که همهٔ حروف با هم بودند – قابل مقایسه نیست.

یک صفتِ مستقل با کلیتی که هر ده را یکجا دربرمی‌گیرد قابل مقایسه نیست. نمونهٔ **ادمو"ר הזקן** واژهٔ درازی از توراست: **لמשפחותיכם**
(lemishpechoseichem). یک حرفِ جدا شده از آن در برابر کلِ واژه هیچ است؛ واژه تنها هنگامی معنا دارد که همهٔ حروفش با هم باشند.

מלבד מה שבחי' החכמה זו כשהיא בפ"ע [בפני עצמו] נק' חכמה ידיעא משא"כ החכמה דע"ס [דעשר ספירות]
דעקודים נק' חכים ולא בחכמה ידיעא. וגם ע"ז שייך אנת הוא חד ולא בחושבן כיון שאין שם בחי'
התחלקות עשר ספירות כנ"ל.

گذشته از این‌که این مرتبۀ حکمت، هنگامی که به تنهایی است، «حکمتی شناخته شده» نامیده می‌شود، درحالی‌که حکمتِ ده
سپירותِ عקودים «حکیم است، اما نه با حکمتی شناخته شده» نامیده می‌شود. و اینجا نیز تعبیرِ «تو یکی هستی، اما نه در
شمار» صدق می‌کند، زیرا چنان‌که [پیش‌تر گفته شد]، در آنجا تقسیمی به ده **سپירות** وجود ندارد.

افزون بر این، حکمت به تنهایی «حکمتی شناخته شده» است، درحالی‌که حکمتِ **عکودים** «حکیم است، اما نه با حکمتی شناخته شده». و
چون در آنجا هیچ تقسیمی به ده وجود ندارد، دربارهٔ **عکودים** نیز می‌توان گفت: «یکی است، اما نه در شمار».

ומ"מ אור א"ס ב"ה עצמו הוא למעלה מעלה מבחי' עקודים כי גם עקודים נק' אדם דבריאה לגבי א"ס
ב"ה ועמ"ש ע"פ את שבתותי תשמרו^{35, 36} בענין שבת תתאה ושבת עלאה).

بااین‌همه، خودِ نورِ بی‌پایان (**اور אין سوف**, Or Ein Sof)، که متبارک است، بسیار بسیار فراتر از مرتبۀ **عکودים** است؛ زیرا حتی
عکودים نیز نسبت به بی‌نهایتِ مطلق (**اين سوف**, Ein Sof)، که متبارک است، «آدمِ عالمِ آفرینش» (**آدم دبریاها**, Adam of Beriah)
(Beriah) نامیده می‌شود. و بنگرید به آنچه دربارهٔ [آیه] «سبت‌های مرا نگاه دارید» نوشته شده است، در بابِ **שבת**ِ فروتر و
שבתِ برتر.

بااین‌حال، **عکودים** ذاتِ ه' نیست: در برابر بی‌نهایتِ مطلق، حتی **عکودים** نیز تنها «آدمِ عالمِ آفرینش» است، گویی آفریده شده. **ادمو"ר הזקן**
در اینجا به **مَأمَر** خود دربارهٔ «سبت‌های مرا نگاه دارید» ارجاع می‌دهد (لیکوتی توراه (לקוטי תורה)، **בהר** 2:28–29). آنجا واژهٔ جمع
«سبت‌ها» را به دو **שבת** تفسیر می‌کند: **שבת**ِ فروتر، خودنفی‌گری (**ביטול**, bittul) «چیز» به «هیچ» در مرتبۀ حکمت؛ و **שבת**ِ برتر،
خودنفی‌گریِ حقیقی در ورای حکمت.

ועד"ז ההפרש בין הארת הקו להרשימו³⁷ שנשאר אחר הצמצום ומקום פנוי. דהנה הארת הקו מאיר בכל עולם לפי ערכו³⁸ אך הרשימו היא בחי' הכוללת לכל העולמות.³⁹

و تفاوت میان تابش خط نور (קו, kav) و اثر باقی‌مانده (رشیמו, reshimu) که پس از انقباض (צמצום, tzimtzum) و پدیدآمدن فضای خالی بر جای ماند، نیز از همین قرار [است]. زیرا تابش קו در هر عالم متناسب با اندازه همان عالم می‌تابد، اما رشیמו مرتبه‌ای است که همه عوالم را دربرمی‌گیرد.

همین الگو در جفت دیگری از مفاهیم قبلائی نیز دیده می‌شود. پس از نخستین צמצום، هنگامی که نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) عقب‌نشینی کرد تا فضای خالی را باقی‌گذارد، خطی باریک از نور، دوباره به درون آن کشیده شد؛ و اثری از نور عقب‌نشسته، یعنی رشیמו، باقی ماند. קו به هر عالم، متناسب با گنجایش همان عالم، می‌تابد؛ مانند مراتب تجلی جداگانه (ספירות, Sefiros). اما رشیמו یک مرتبه کلی است که همه عوالم را دربرمی‌گیرد، مانند عالم [درهم‌بسته] (עקודים, Akudim).

(יצ"ע [וצריך עיון] דמבואר בכמה מקומות דהקו גבוה הרבה מהרשימו וע' באגה"ק [באגרת הקודש] מאמר איהו וחיות⁴⁰ הארת הקו והארה והארה והארה⁴¹ כו'):

(این نکته نیازمند بررسی بیشتر است، زیرا در چندین موضع توضیح داده شده که קו بسیار والاتر از رشیמו است. و نیز بنگرید به Iggeres HaKodesh (آגרת הקודש)، گفتار (مأמר) «او و نیروی حیاتش»: تابش קו، و فروغی از فروغ، و فروغی از فروغ فروغ، و مانند آن.)

آلتر ربه (آدمو"ר הזקן) در اینجا اشکالی را مطرح می‌کند: در بسیاری از مواضع گفته شده که קو بسیار والاتر از رشیמו است، و در کتاب תניא (תניא)، در بخش Iggeres HaKodesh (آגרת הקודש)، از تابش קו و از «فروغی از فروغ» و فروغ‌هایی پی‌درپی و هرچه کم‌فروغ‌تر در مراتب پایین‌تر از آن سخن گفته می‌شود. پس چگونه می‌توان رشیמו را با آن مرتبه برتر و فراگیر مقایسه کرد؟ او این پرسش را برای بررسی بیشتر بی‌پاسخ می‌گذارد.

תְּהוּ ו תִּיקוֹן؛ نام م"ה

11 והנה בעולם הנקודים^{42, 43} הי' [היה] שבה"כ [שבירת הכלים] שזהו ענין עולם התהו והיינו לפי שהיו רק בבחי' נקודות כל⁴⁴ א' בחי' בפ"ע [בפני עצמו] ואח"כ עולם הברודים הוא עולם התקון שנעשו בבחי' פרצופים שהוא להיות בחי' התכללות.

اکنون در عالم نقاط (נקודים, Nekudim), شکستنی ظرفها رخ داد؛ این همان امرِ عالمِ آشوب (تِهו, Tohu) است، و علتش این بود که آنها تنها به صورتِ نقطه‌ها بودند و هر یک مرتبه‌ای جداگانه به‌خودی خود بود. پس از آن، عالمِ برودیم (برودים, Berudim) عالمِ اصلاح (تِکوּן, Tikkun) است؛ در آن، آنها به صورتِ پیکربندی‌ها (פרצופים, partzufim) درآمدند، یعنی به حالتی رسیدند که هر یک دربرگیرندهٔ دیگران باشد،

در نکودیم، ظرفها شکستند؛ این همان عالمِ توهو است. آنها شکستند، زیرا هر مرتبهٔ تجلی (سפירה, Sefirah) نقطه‌ای تنها بود که نمی‌توانست با دیگران پیوند یابد. در عالمِ تیکون (برودیم)، مراتبِ تجلی به پارتسوفیم درآمدند؛ پیکربندی‌هایی کامل که در هر یک، دیگر مراتب نیز دربرگرفته شده‌اند.

שלא יהיה חכמה בפ"ע [בפני עצמו] כ"א תהיה כלולה ג"כ מכל הע"ס [העשר ספירות] ונק' פרצוף אבא וכן פרצוף ז"א⁴⁵ שעיקרו בחי' המדות

تا حکمت (חכמה, Chochmah) به‌تنهایی نباشد، بلکه هر ده مرتبهٔ تجلی (سפירות, Sefiros) نیز در آن گنجانده شود؛ و آن «پیکربندی پدر» (פרצוף, partzuf; اَبَا, Abba) نامیده می‌شود. همچنین پیکربندی صفاتِ عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin)، که جوهرش مرتبهٔ صفاتِ عاطفی (مדות, middos) است،

در تیکون، حکمت تنها و جدا نمی‌ایستد؛ هر ده مرتبهٔ تجلی را در خود دارد و پیکربندی آبا («پدر») می‌شود. به همین ترتیب، زئیر آپن، پیکربندی عواطف، نیز همهٔ مراتبِ تجلی را در خود دارد.

אך כולן היו כלולים יחד וגם המוחין [המוחין] דא"א [דאבא ואימא] מאירים בהם. וה"ז [והרי זה] מעלה יתירה מבבחי' נקודים שהי' [שהיה] רק כל בחי' בפ"ע [בפני עצמו] חסד לבדו וגבורה לבדו.

اما همهٔ آنها با هم دربرگرفته شده بودند و قوای عقلانی (מוחין, mochin) پدر و مادر (אבא ואמא, Abba v'Imma) نیز در آنها می‌تابیدند. این مزیتی چشمگیر نسبت به مرتبهٔ نکودیم است؛ جایی که هر مرتبه تنها به‌خودی خود بود: مهر (חסد, Chesed) تنها و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) تنها.

در زئیر آپن، همهٔ عواطف با هم دربرگرفته شده‌اند و عقلِ پدر و مادر در آنها می‌تابد. این مزیتی بزرگ نسبت به نکودیم است؛ جایی که مهر تنها و قید و سخت‌گیری تنها می‌ایستاد.

אבל בתקון יש בחי' התכללות והתחברות (כמו עד"מ חבור האותיות שנפרדו להיות מצטרפין יחד לתיבות ומ"מ אין זה כמו בחי' עקודים שהיו כולך דבר א' ממש עד שהיו רק בכלי א')

اما در تیکون، دربرگرفتن و پیوند وجود دارد؛ (برای نمونه، پیوند حروفی که از هم جدا بودند، تا با هم ترکیب شوند و واژه‌ها را بسازند. بااین‌حال، این مانند مرتبهٔ عکودیم (עקודים, Akudim؛ «بسته‌شده‌ها») نیست؛ جایی که همه به‌راستی یک چیز بودند، تا آنجا که تنها در یک ظرف قرار داشتند؛

درهم‌گنجیدگی تیکون مانند پیوند حروف جداگانه برای ساختن واژه‌هاست. اما این یگانگی، یگانگی عکودیم نیست؛ آنجا همه واقعاً یکی بودند و در یک ظرف قرار داشتند.

משא"כ בברודים שכל ספירה יש לה כלי בפ"ע [בפני עצמו] רק שמתכללים מכל הע"ס [העשר ספירות] וכו' ומ"מ ע"י התכללות זו מאיר בהן הארה עליונה מא"ס ב"ה כי اور א"ס ב"ה מאיר ونמשך דוקא במקום שיש חבור והתכללות.

حال آنکه در برودیم، هر مرتبهٔ تجلی ظرف خود را دارد، اما همهٔ ده مرتبهٔ تجلی و غیره در آن دربرگرفته شده‌اند. بااین‌همه، به‌واسطهٔ این دربرگرفتن، پرتویی برتر از بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، در آنها می‌تابد؛ زیرا نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، دقیقاً در جایی می‌تابد و فرود می‌آید که پیوند و دربرگرفتن وجود داشته باشد.

در تیکون، هر مرتبهٔ تجلی ظرف خود را حفظ می‌کند و درعین‌حال همهٔ مراتب دیگر را دربرمی‌گیرد. از رهگذر این پیوند، نوری برتر از بی‌نهایت مطلق در آنها می‌تابد، زیرا نور بی‌پایان دقیقاً در جایی قرار می‌گیرد که پیوند و دربرگرفتن وجود دارد.

וכמו למטה זכר ונקבה בראם ועי"ז ויברך אותם⁴⁶ ע"י ההתכללות כו' וכמו בצירוף עשרה אומרים דבר שבקדושה דאכל בי עשרה שכינתא שריא⁴⁷ משא"כ אם היו אלו העשרה כ"א [כל אחד / כל אחת] בפ"ע [בפני עצמו] כו'.

همچنین در پایین، «مرد و زن آفریدشان»، و از این راه «آنان را برکت داد» – به‌واسطهٔ دربرگرفتن، و جز اینها. و نیز هنگامی که ده نفر به هم می‌پیوندند، سخنی از امور مقدس می‌گویند، زیرا «در هر جمع ده‌نفره، حضور الهی (שכינה, Shechinah) قرار دارد»؛ اما اگر این ده نفر هر یک به‌تنهایی بودند، چنین نبود، و جز اینها.

دو نمونه از جهان ما: او به مرد و زن تنها پس از آنکه به هم پیوستند برکت داد، چنان‌که آیه می‌گوید: «مرد و زن آفریدشان، و آنان را برکت داد»؛ و ده یهودی که با هم گرد می‌آیند می‌توانند دعا‌های مقدسی را که به مین‌یان (מנין, minyan)، یعنی حدنصاب ده‌نفره، نیاز دارند بگویند؛ زیرا حضور الهی بر گروهی ده‌نفره قرار می‌گیرد، اما بر ده فرد که هر یک جداگانه باشند چنین نیست.

וזהו ע"י שם מ"ה [שם מ"ה] המאיר בעולם התקון⁴⁸ ששרשו למעלה מבחי' נקודים כי הוא שם מ"ה [שם מ"ה] דא"ק [דאדם קדמון]⁴⁹ שהוא בחי' האור הכללי ע"ד הנ"ל בעקודים ע"כ ממנו נמשך התקון שיהיה

נעשה ההתכללות בברודים

و این به واسطه نام م"ה (שם م"ה, Mah) است که در عالم تیکون می‌تابد و ریشه‌اش بالاتر از مرتبه نکودیم است؛ زیرا آن نام م"ה آدم کادمون (آدم کدمون, Adam Kadmon) است، مرتبه نور کلی و فراگیر، همانند آنچه پیش‌تر درباره نکودیم گفته شد. ازاین‌رو، تیکون از آن فرومی‌آید تا در برودیم دربرگرفتن پدید آید.

آنچه دربرگرفتن تیکون را پدید می‌آورد، نام م"ה است – نام چهارحرفی (ה', Havayah) که حروفش به گونه‌ای نوشته می‌شوند که ارزش عددی‌شان ۴۵، یعنی ارزش عددی «مه»، باشد. ریشه این نام در آدم کادمون، بالاتر از نکودیم، قرار دارد و مانند نکودیم نوری کلی و فراگیر است؛ ازاین‌رو می‌تواند مراتب جداگانه تجلی را به هم پیوند دهد.

והיינו כי שם מ"ה [שם מ"ה] הוא בחי' בטול מלשון ונחנו מה⁵⁰ וההתכללות נמשך מחמת הבטול לאור א"ס ב"ה. ולכן ע"י שם מ"ה [שם מ"ה] נעשה ג"כ ההתכללות בע"ס [בעשר ספירות] דתיקון כו':

یعنی نام م"ה مرتبه خودنفری‌گری (ביטול, bittul) است؛ برگرفته از تعبیر «و ما چه هستیم؟»؛ و دربرگرفتن به سبب خودنفری‌گری در برابر نور بی‌پایان، متبارک باد، پدید می‌آید. ازاین‌رو، به واسطه نام م"ה، دربرگرفتن در ده مرتبه تجلی تیکون نیز پدید می‌آید، و غیره.

«مه» به معنای «چه» است، چنان‌که موشه (Moshe, משה) و آهرون (Aharon, אהרן) گفتند: «و ما چه هستیم؟» – عبارتی از خودنفری‌گری. مراتب تجلی تنها هنگامی می‌توانند یکدیگر را دربرگیرند که هر یک، در برابر نور بی‌پایان، از استقلال وجودی جداگانه خود دست بردارد؛ ازاین‌رو نام م"ה، که بیانگر خودنفری‌گری است، تیکون را پدید می‌آورد.

بخش 7 • 121

زیبایی و هماهنگی، تورات و صلح

12 ומעתה יובן מה דבתפארת בהכלי ג"כ הוא מבחי' שם הוי"ה⁵¹ משא"כ בכלים דחוי"ג [דחסד וגבורה] כי הנה

عیקר ההתכללות הנעשה בעולם התקון הוא

از اینجا روشن می‌شود که چرا حتی ظرف زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes) نیز از مرتبه نام چهارحرفی (ה', Havayah) است، برخلاف ظرف‌های مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah). زیرا اصل درهم‌آمیختگی‌ای که در عالم اصلاح (תיקון, Tikun) پدید می‌آید،

اکنون می‌توان به پرسش بند ۲ پاسخ داد: چرا حتی ظرف تپاרת نیز نشان نام ה' را دارد، حال آنکه ظرف‌های חסד و גבורה نام‌های קל (Kel) و نام אלקים (אלקים, Elokim) را دارند؟ پاسخ در چیزی است که درهم‌آمیختگی عالم תיקון را پدید می‌آورد.

[חסד וגבורה]

חסד و **גבורה** متضادند: بخشیدن و دریغ‌کردن. **תפארת** «خط میانی» است که آنها را به هم می‌پیوند. این صفت یعقوب است؛ در زوها **(זהר)** او «کمال‌بخش پدران» خوانده می‌شود، زیرا **מֶהַר אֲבְרָהִים (آברהם)** و قید و سخت‌گیری اسحاق **(יצחק)** را با هم متحد می‌کند؛ و در تورات «ساکن چادرها» نامیده شده است.

[שם מ"ה] להיות התכללות כו'

دستمزدِ یعقوب از لابان (لدב)، بره‌های نشان‌دارِ گله بود (בראשית 30:32; 31:8)؛ و او در خواب قوچ‌هایی را دید که بر گله می‌جهیدند و «راه‌راه، خال‌خال و لکه‌دار» بودند؛ **עקודים**، **נקודים** و **ברודים** (31:10): نام‌های سه مرحلهٔ مراتبِ تجلی (**ספירות**, Sefiros). آلتَر ربه این امتداددادنِ گله‌ها از سوی یعقوب را چنین می‌خواند که **תפארת** یگانگیِ **עקודים** را از راهِ نام **מ"ה** به پایین، تا **ברודים**، امتداد می‌دهد و بدین‌سان درهم‌آمیختگی را پدید می‌آورد.

המדות חו"ג [חסד וגבורה] **נגדיים זה לזה.**

زوهار در آغازِ پاراشای وایکرا، درخواستِ راحاب (**רחב**) را که «نشانه‌ای از حقیقت به من بده» چنین می‌خواند: مقصود حرفِ واو (וּ, vav)، حرف **תפארת** است. واژهٔ اوت (**אות**, os) در عبری هم به معنای «نشانه» است و هم «حرف»، پس عبارت همچنین «حرفی از حقیقت» معنا می‌دهد. حقیقت در اینجا چیزی است که پیوند می‌دهد و جانب‌داری نمی‌کند: **תפארת חסד** و **גבורה** را با هم می‌آورد، تا دیگر در برابر یکدیگر نباشند.

והנה הגדול הגבור ⁵⁸ הוא בחי' חו"ג [חסד וגבורה] והנורא הוא בחי' תפארת ויש בו תוספת ⁵⁹ וי"ו והנורא

اکنون، «بزرگ، نیرومند» مرتبة حסد و «هول انگیز» مرتبة تپاרת؛ و در آن واوی افزوده هست: «و هول انگیز» (وهانورا، ve-hanora).

در عبارت «بزرگ، نیرومند و هول انگیز»، «بزرگ» حסد و «نیرومند» غبوره است، درحالی که «هول انگیز» تپاרת است. فقط واژه آخر واوی افزوده دارد: «و هول انگیز».

שנמשך המשכה עליונה שע"ז נעשה ההתכללות וכענין הנ"ל דהתקון וההתכללות הוא ע"י המשכת שם מ"ה [שם מ"ה] וכן ביעקב נאמר מה נורא המקום הזה. ⁶⁰

[یعنی] جریانی برین فرود آورده می شود که به واسطه آن درهم آمیختگی پدید می آید؛ چنان که در موضوعی که پیش تر یاد شد، اصلاح و درهم آمیختگی از راه امتداد نام م"ה حاصل می شود. همچنین درباره یعقوب گفته شده است: «چه (מה، mah) هول انگیز است این مکان!»

واو، خطی مستقیم، حرف امتداد دادن به پایین است. وجود آن در «و هول انگیز» نشان می دهد که تپاרת جریانی برتر را فرود می آورد؛ و همین جریان درهم آمیختگی را پدید می آورد، همان گونه که نام م"ה چنین می کند. به درستی، یعقوب درباره مکان رؤیای خود می گوید: «چه (מה، mah) هول انگیز است این مکان!»

וזהו דבכלי הת"ת [התפארת] הוא מאיר שם הוי"ה שהוא הארה גדולה ונעלית יותר מבכלים דחו"ג [דחסד וגבורה] והיינו

و از این رو در ظرف تپاרת نام ه' می تابد؛ این نورافشانی از آنچه در ظرف های حסد و غبوره است، بزرگتر و برتر است. یعنی، از همین رو نام ه' حتی در ظرف تپاרת می تابد: ظرف آن نوری بزرگتر از ظرف های حסد و غبوره در خود دارد.

כי ע"י שם הוי"ה נמשך בחי' ההתכללות וז"ש [וזהו שכתוב] הוי"ה אחד ⁶¹ (ועמ"ש ע"פ לתת נקמת הוי"ה במדין). ⁶²

از راه نام ه' مرتبة درهم آمیختگی امتداد می یابد؛ و این [معناي] آن چیزی است که گفته شده: «ه' یکی است» (و نیز بنگرید به آنچه درباره [آیه] «تا انتقام ه' را از مدیان (مדין) بگیرند» نوشته شده است).

ه' نامی است که از طریق آن درهم آمیختگی امتداد می یابد؛ از این رو کتاب مقدس می گوید: «ه' یکی است». آلتز ربه در مامار (مامار، maamar) خود درباره جنگ با مدیان به این مطلب اشاره می کند (لکوسی تורה، משות 20:6-21): مدیان، یعنی ستیزه جویی و جدایی، درست نقطه مقابل ه' است که حقیقتش صلح و درهم آمیختگی است؛ و از راه درهم آمیختگی، نوری برتر از مرتبه ای که همه چیز را دربرمی گیرد امتداد می یابد. از این رو آن جنگ «انتقام ه'» بود.

והנה התורה נק' תורת הוי"ה⁶³ כי בתורה כתיב וכל נתיבותיה שלום⁶⁴ וכמ"ש או יחזיק במעוזי⁶⁵ יעשה שלום לי וגו'

اکنون تورات، «تورات نام چهارحرفی (ה', Havayah)» خوانده می‌شود؛ زیرا دربارهٔ تورات نوشته شده است: «و همهٔ راه‌هایش صلح است»؛ و چنان‌که نوشته شده است: «یا بگذار به نیروی من چنگ زند، تا با من صلح کند»، و الی آخر —

تورات «تورات نام چهارحرفی (ה', Havayah)» خوانده می‌شود، زیرا تماماً دربارهٔ صلح است: «همهٔ راه‌هایش صلح است». حکیمان آیهٔ «بگذار به نیروی من [تورات] چنگ زند، تا با من صلح کند» را ناظر به کسی می‌دانند که تورات می‌آموزد.

שלום בפמליא של מעלה ובפמליא של מטה⁶⁶ שיהי' [שיהיה] בחי' ההתכללות ויחוד הספירות וההיכלות ועי"ז יומשך גילוי אור א"ס ב"ה. והתכללות זו הוא ע"י הבטול.

صلح در دربار آسمانی و دربار زمینی: یعنی مرتبه‌ای از درهم‌گنجیدگی و یگانگی مراتب تجلی (سפירות, Sefiros) و تالارها (היכלות, heichalos) برقرار شود؛ و از این راه، آشکارگی نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، به پایین کشیده شود. و این درهم‌گنجیدگی از راه خودنفی‌گری (ביטול, bittul) پدید می‌آید.

حکیمان می‌گویند چنین کسی دربار آسمانی و دربار زمینی را به صلح می‌آورد. در اصطلاح قبلا، این صلح عبارت است از درهم‌گنجیدگی و یگانگی مراتب تجلی و هیخالوت (تالارهای عوالم فرودین)؛ و از این راه، نور بی‌پایان آشکار می‌شود. و درهم‌گنجیدگی تنها از راه خودنفی‌گری ممکن است.

וזهو יסוד כל התורה להיות בטול היש לאין וכל השלשה דברים שעליהם העולם עומד היינו תורה ועבודה וגמ"ח [וגמילות חסדים]⁶⁷ כולם ענינם בטול היש לאין וע"י הבטול נעשה ההתכללות משא"כ בבחי' יש כו'.

و این، بنیاد تمام تورات است: خودنفی‌گری «چیز مستقل» به «هیچ» (אין, ayin). و هر سه امری که جهان بر آن‌ها استوار است—یعنی تورات، عبادت و اعمال نیکوکاری—در بنیاد خود همگی خودنفی‌گری «چیز مستقل» در برابر «هیچ» هستند. و از راه خودنفی‌گری، درهم‌گنجیدگی پدید می‌آید؛ اما در مرتبهٔ «چیز مستقل» چنین نیست، و الی آخر.

این، جان تمام تورات است: کنار نهادن «چیز» مستقل خویش (yesh) در برابر «هیچ» الهی (ayin)—که «هیچ» خوانده می‌شود، زیرا فراتر از هرگونه ادراک است. سه پایه‌ای که جهان بر آن‌ها استوار است—تورات، دعا («عبادت») و اعمال نیکوکاری—همگی در خدمت همین هدفاند. تنها با وجود خودنفی‌گری است که چیزهای جدا از هم می‌توانند واقعاً به هم بپیوندند؛ تا هنگامی که هر یک بر وجود مستقل خویش پافشاری کند، چنین پیوندی ممکن نیست.

نقشه سازندگان و پاسخ ה'

13 והנה דור הפלגה אמרו ונעשה לנו שם⁶⁸ פן נפוץ כו' פי' שרצו ג"כ שיקבלו השפע מבחי' שם⁶⁹ הוי"ה שהוא המשכה עליונה.

אکنون نسلي پراکتدگی گفتند: «بیایید برای خود نامی بسازیم، مبدا پراکنده شویم»، و غیره. مقصود این است که آنان نیز می‌خواستند فیض را از مرتبه نام چهارحرفی (ה', Havayah) دریافت کنند؛ مرتبه‌ای که جریانی از بالا به پایین است.

اکنون آدمور هزاکن به برج باز می‌گردد. «برای خود نامی بسازیم» یعنی آنان می‌خواستند فیض برکتشان از نام چهارحرفی (ה') بیاید؛ یعنی همان جریان برتری که، چنان‌که همین‌جا توضیح داده شد، سرچشمه درهم‌پیوستگی است.

וזהו ונעשה לנו שם פן נפוץ פי' שלא רצו שיומשך להם ההשפעה מבחי' שלמטה במדרגה שמשם יניקת החיצונים שיניקתם מאחוריים דשם אלקים ונק' לכך אלקים אחרים כו'

و این همان [معناي] «بیایید برای خود نامی بسازیم، مبدا پراکنده شویم» است: یعنی آنان نمی‌خواستند فیض از مرتبه‌ای فروتر به آنان برسد؛ مرتبه‌ای که نیروهای بیرونی از آن روزی می‌گیرند، زیرا روزی آن نیروها از وجه پشتی نام **אלקים** (אלקים, Elokim) است و از همین رو «معبودان دیگر» (**אלקים אחרים**, elokim acherim) نامیده می‌شوند، و غیره.

مقاله «مبدا پراکنده شویم» را چنین می‌خواند که آنان نمی‌خواستند از مرتبه‌ای فروتر دریافت کنند؛ مرتبه‌ای که «نیروهای بیرونی» – نیروهای پوسته (קליפה, kelipah) که با قداست مخالفت می‌کنند – از آن روزی می‌گیرند. روزی این نیروها از «وجه پشتی»، یعنی بیرونی‌ترین جنبه نام **אלקים** است؛ و از همین رو بت‌پرستی «معبودان دیگر» (**אלקים אחרים**) نامیده می‌شود.

כי זהו כל עיקר מעלת עולם התקון שהוא בחי' ההתכללות ולכן נאמר גבי יעקב שבעים נפש⁷⁰ לשון יחיד משא"כ בעולם התהו מחמת שלא היה התכללות נמשך שבה"כ [שבירת הכלים].

زیرا تمام جوهر برتری عالم اصلاح و سامان (**עולם התקון**, Tikkun) همین مرتبه درهم‌پیوستگی است. از این رو درباره یعقوب (**יעקב**) گفته شده است: «هفتاد جان» (**נפש**, nefesh)، به صیغه مفرد؛ اما در عالم آشوب (**عולם התהو**, Tohu) چنین نبود و چون درهم‌پیوستگی وجود نداشت، در پی آن شکستن ظرف‌ها رخ داد.

برتری عالم اصلاح و سامان در درهم‌پیوستگی است. تورات خانواده یعقوب را «هفتاد جان» می‌شمارد؛ «جان» در اینجا به صیغه مفرد آمده است، زیرا آنان همچون یک واحد با هم متحد بودند. در عالم آشوب چنین درهم‌پیوستگی وجود نداشت و از این رو ظرف‌های آن شکستند.

14 ואמנם הם ידעו⁷¹ אשר לקבל מעולם התקון הוא ע"י בטול היש כנ"ל בענין התקון ע"י שם מ"ה [שם

מ"ה] והם לא רצו בזה

בاین حال، آنان می دانستند که دریافت از عالم تیکون (תיקון, Tikkun [اصلاح]) از راه خودنفی گری (بیטول, bittul) نسبت به «یش» (יש, yesh [وجود مستقل]) است؛ چنان که [توضیح داده شد] در بالا درباره تیکون از طریق نام م"ה (Mah). اما آنان این را نخواستند.

سازندگان می دانستند که دریافت از عالم تیکون مستلزم خودنفی گری است؛ چنان که در بالا نشان داده شد، پیوستن از طریق نام م"ה صورت می گیرد که خودنفی گری است. آنان دقیقاً از همین کار سر باز زدند.

و כמ"ש בלק"ת [בלקוטי תורה (להאריז"ל)] להרח"ו [להרבי חיים ויטאל] ז"ל [זכرونנו לברכה / זכرونם לברכה] שרצו לילך בשרירות לבם ושاعפ"כ [ושאף על פי כן] יומשך להם השפעת טובה כו' ע"כ נתחכמו לעשות המגדל והעיר.

و چنان که در لیکوتی تורה [لیکوتی ویتال (רבי חיים ויטאל), ז"ל, نوشته شده است: آنان می خواستند بر وفق سرکشی دل خویش رفتار کنند و باین همه، فیض خیر به سویشان جاری شود و مانند آن. از این رو، زیرکانه ساختن برج و شهر را تدبیر کردند.

چنان که رבי حיים ویتال در لیکوتی تורה خود (بند ۱) نوشته است، آنان می خواستند از خواهش های خود پیروی کنند و باین همه برکت دریافت کنند. از این رو، راهی زیرکانه برای دور زدن این الزام اندیشیدند: شهر و برج.

15 והוא שנתיעצו שע"י האחדות שיהיה ביניהם להיות חבור עצבים⁷² ע"כ עי"ז ימשיכו להם טובה

והשפעה גשמית עכ"פ [על כל פנים] אף אם לא יהיה להם הבטול ועבודת השי"ת [השם יתברך].

یعنی چنین مشورت کردند که از راه وحدتی که میانشان برقرار می شد - اینکه «به هم پیوسته [هرچند] به بت ها» باشند - از این راه دست کم خیر و فیضی مادی برای خود جلب کنند، حتی اگر خودنفی گری (بیטول, bittul) و بندگی ه' יתברך را نداشته باشند.

طرح آنان وحدت بود. در کتاب هושع (הושע) آمده است که افرایم (אפרים)، پادشاهی شمالی، به بت ها پیوسته است: «بگذارید همان طور بماند». מדרש (میدراش) در برشیت ربا (בראשית רבה) 38:6, درباره همین نسل، واژه חבור (chavur; [به هم پیوسته]) را به معنای «به هم پیوسته» می گیرد: حتی بت پرستانی که با یکدیگر در صلح اند، به حال خود رها می شوند. سازندگان امید داشتند که وحدت به تنهایی دست کم برکتی مادی برایشان بیاورد، بی آنکه خودنفی گری (بیטול) داشته باشند یا ه' را بندگی کنند.

והיינו כי ידעו בכח שמוש השמות עליונים שבבחי' התכללות מאיר אור עליון ביותר וכמש"ל [וכמה שכתוב לעיל] בענין עקודים בכלי א' שהוא בחי' ומדרגה גבוה מאד שהוא למעלה מעולם התהו ומעולם התקון.

یعنی آنان به واسطه قدرت به کارگیری نامهای برتر می دانستند که در حالت شمول متقابل، نوری بسیار برتر می تابد؛ چنان که پیشتر درباره عکودیم (عقودیم، Akudim؛ بسته شدگان) در یک ظرف توضیح داده شد؛ مرتبه و درجه ای بسیار بلند، بالاتر از عالم התהو (Tohu؛ آشفتگی) و عالم התקון (Tikkun؛ سامان یافتگی).

آنان از راه شناخت نامهای مقدس می دانستند که شمول متقابل، نوری بسیار برتر را فرومی آورد؛ مانند عقودیم که در آن همه چیز در یک ظرف است، مرتبه ای بالاتر از هر دو توهو و تیکون.

16 וע"כ אמרו ונעשה לנו שם שימשיכו ג"כ משם הוי"ה דהיינו ממקום הכולל לכל ההשתלשלות בשוה שהוא אור כללי כנ"ל

از این رو گفتند: «و نامی برای خود بسازیم»؛ یعنی از نام چهارحرفی (ה', Havayah) نیز جذب کنند؛ یعنی از جایگاهی که سراسر زنجیره نزول عوالم (השתלשלות، hishtalshelus) را به طور یکسان دربرمی گیرد، جایگاهی که نوری کلی است، چنان که [در بالا] گفته شد،

«و نامی برای خود بسازیم» یعنی از نام چهارحرفی (ה', Havayah) جذب کنند؛ همان نوری کلی که به طور یکسان با هر مرتبه از زنجیره نزول عوالم نسبت دارد، یعنی مرتبه ای فراتر از تمایزات عوالم.

ולא יצטרכו להיות נכנעים תח"י [תחת יד] הקדושה דעולם התקון דאצי' שממש א"א להם לקבל רק מבחי' חיצוניות כו'.

و دیگر نیازی نبود که زیر سلطه قداست عالم اصلاح (התקון، Tikkun) در عالم صدور (אצילות، Atzilus) درآیند؛ از آنجا نمی توانستند چیزی دریافت کنند، مگر از مرتبه بعد بیرونی (חיצוניות، chitzoniyyus) و جز این ها.

بدین سان لازم نبود در برابر قداست عالم اصلاح (התקון) در عالم صدور (אצילות) تسلیم شوند. ناپاکان از عالم صدور تنها می توانند از بعد بیرونی آن دریافت کنند، آن هم فقط با خاضع شدن؛ آنان می خواستند از این تسلیم بگذرند.

17 והיינו ע"י האחדות⁷³ וההתכללות שיהיה ביניהם ולכן עשו העיר ומגדל^{74,75} דהיינו שהיה סימן להם שלא יתפרדו איש מעל אחיו

یعنی، از راه وحدت و درهم پیوستگی ای که میانشان برقرار می شد. از این رو شهر و برج را ساختند؛ یعنی این نشانه ای برایشان بود که از یکدیگر جدا نشوند،

شهر و برج وسیله ای برای آن وحدت بودند: نشانه ای که آنان را به صورت یک قوم کنار هم نگه می داشت.

כי רועי צאן היו זה הולך אנה וזה אנה ע"כ עשו עיר ומגדל גבוה כדי שיתקבצו כולם שם ולא יפרדו איש מעל אחיו וכמ"ש הראב"ע [הרבי אברהם אבן עזרא].⁷⁶

زیرا آنان چوپان بودند؛ این یکی به این سو می رفت و آن یکی به آن سو. از این رو شهری و برجی بلند ساختند تا همگی در آنجا گرد آیند و از یکدیگر جدا نشوند، چنان که ربی ابراهام ابن عزرا (ابراهام ابن عזرا) می نویسد.

ابن عزرا معنای ظاهری آیه را توضیح می دهد: آنان چوپانانی بودند که در همه سو می گشتند؛ پس شهری و برجی بلند ساختند تا همگی در آنجا گرد آیند و کنار هم بمانند.

وگם ע"פ רוחניות ג"כ ענין העיר והמגדל היה לתועלת החבור והיחוד (ע"י) בזוהר פ' נח דף ע"ד⁷⁷ ע"ה).

و از دیدگاه معنوی [نیز]، شهر و برج برای پیوند و یگانگی سودمند بودند (بنگرید به زوهار (زهر)، پاراشات نوح (נח)، صفحات ۷۴ و ۷۵).

زوهار درباره پاراشات نوح (۷۴: ۱ب-۷۵ب) این مطلب را در بُعد معنوی توضیح می دهد: نام مقدس تنها از راه «شهر و برج» در زمین جای می گیرد؛ سازندگان با استفاده از آن حکمت، شهری و برجی برای سوي دیگر برپا کردند؛ و چون همگی در کنار هم بودند، به واسطه وحدتشان کامیاب می شدند.

וזהו מה שאמר הקב"ה הן עם אחד⁷⁸ ושפה אחת לכולם⁷⁹ כו' ועתה לא יבצר מהם כל אשר יזמו לעשות.

و این همان چیزی است که ה' گفت: «بنگر، [آنان] قومی یگانه اند و زبانی یگانه برای همگی دارند»، و غیره، «اکنون هیچ یک از آنچه در اندیشه انجامش بوده اند از ایشان بازداشته نخواهد شد».

اکنون سخن ه' که در آغاز نقل شد روشن می شود: چون آنان «قومی یگانه با زبانی یگانه» هستند، هیچ یک از آنچه در نظر دارند از ایشان بازداشته نخواهد شد.

פי' כי לפי שבאמת ע"י ההתכללות והחבור נמשך ממקום עליון ביותר וכמ"ש חבור עצבים⁸⁰ וגו'

مقصود این است که در حقیقت، از راه درهم پیوستگی و پیوند، [جریانی] از جایگاهی بس برین فرومی آید؛ چنان که نوشته شده است: «به بتها پیوسته [است]»، و غیره،

وحدت در حقیقت نوری را از جایگاهی بسیار بلند فرومی آورد؛ چنان که آیه درباره افرایم (افریم) که به بتها «پیوسته» است نشان می دهد. از همین رو ه' می توانست بگوید که هیچ چیز از ایشان بازداشته نخواهد شد. مقصود این نبود که آنان بتوانند خواست ه' را نادیده بگیرند؛ بلکه خود وحدت جریانی را از بالا فرومی آورد و ه' چنین قرار داده بود.

וא"כ לא יבצר מהם כו' וא"כ הרי ח"ו [חס ושלום] ימשיכו המים היוצאים מבית ה' לבית הכסא כו'

پس «هیچ چیز از ایشان بازداشته نخواهد شد»، و غیره. بنابراین، مبدا آب‌هایی را که از خانهٔ ه' به مستراح روان می‌شوند، فرومی‌آوردند، و غیره،

خطری که این تصویر مقاله نشان می‌دهد چنین بود: آنان این جریان مقدس، یعنی آب‌هایی را که از خانهٔ ه' روان می‌شوند، به مستراح – پست‌ترین جاها – می‌کشاندند.

אשת הזמה כו' כיון שהם היו הולכים בשרירות לבם⁸¹ כו' ולא רצו לקבל הבטול והעול

زنی هرزه، و غیره – زیرا آنان در سرکشی دل خود گام برمی‌داشتند، و غیره، و نمی‌خواستند خودنهی‌گری (ביטול, bittul) و پذیرش یوغ (קבלת עול, kabbalas ol) را بپذیرند.

«زنی هرزه، و جز این» تصویر دومی است که متن آن را ناتمام می‌گذارد: نیروی مقدس در خدمت آنچه ناپاک است قرار گیرد. این امر از آن رو رخ می‌داد که آنان از خواسته‌های خود پیروی می‌کردند و خودنهی‌گری و یوغ آسمان را نمی‌پذیرفتند.

(וזהו כעין מ"ש פן ישלח ידו⁸² ולקח גם מעץ החיים ואכל וחי לעולם ואין זה ראוי כיון שכבר נפגם ע"י עץ הדעת א"כ ימשיך תוקף זה דעץ החיים בסטרא אחרא ויגביר הרע וכמ"ש במ"א וכך הוא כאן).

(و این شبیه آن چیزی است که نوشته شده است: «مبدا دستش را دراز کند و از درخت حیات نیز بگیرد و بخورد و تا ابد زنده بماند»؛ و این شایسته نبود، زیرا او پیش‌تر به واسطهٔ درخت دانش آسیب دیده بود. پس نیروی درخت حیات را به درون سوي دیگر (סטرا احرآ, sitra achra) می‌کشاند و شرّ را نیرومند می‌کرد، چنان‌که در جای دیگری نوشته شده است؛ و اینجا نیز همین‌گونه است.)

نمونه‌ای موازی از باغ عدن: پس از آنکه آدم (אדם) از درخت دانش خورد، ه' او را از درخت حیات بازداشت. وقتی آدم آسیب دیده بود، نیروی درخت حیات سوي دیگر، یعنی نیروهای مخالفِ قداست، را نیرومند می‌کرد. همین خطر دربارهٔ سازندگان برج نیز وجود داشت.

ועל כן הבה ונבלה שפתם⁸³ כו' פיזור לרשעים הנאה להם והנאה לעולם.⁸⁴ וכנוס לצדיקים שיש בהם הבטול להש"י [להשם יתברך] הנאה להם והנאה לעולם כי ע"י ההתכללות נמשך ממקום עליון כנ"ל ולכן השלום הוא הכלי המחזיק ברכה:⁸⁵

ازاین رو: «بیایید زبانیشان را درهم آمیزیم» و غیره. «پراکندگی برای ستمکاران، هم برای خودشان خوشایند است و هم برای جهان»؛ و گردهم آمدن برای صالحانی که در برابر ה' **יתברך** خودنهی گری (**ביטול**, bittul) دارند، هم برای خودشان خوشایند است و هم برای جهان؛ زیرا به واسطه درهم پیوستگی، [جریانی] از مکانی والا فرود می آید، چنان که [در بالا توضیح داده شد]. ازاین رو، صلح ظرفی است که برکت را در خود نگاه می دارد.

پس ה' زبانیشان را درهم آمیخت. **میشنا (משנה)** می آموزد که پراکنده شدن ستمکاران و گردهم آمدن صالحان، برای جهان سودمند است. صالحان، هنگامی که متحد می شوند و **بیטול** دارند، از بالا برای همگان برکت فرومی کشند؛ ازاین رو، سخن حکما این است که صلح تنها ظرفی است که می تواند برکت را در خود نگاه دارد.

در کار بندگی

یگانگی، برترین برکت را فرود می آورد، اما تنها یگانگی ای که بر خودنهی گری استوار باشد – کنارگذاشتن «چیزی بودن» خویش در برابر ה' – مقدس است. تورات، خدمت و اعمال مهربانی، همگی راههایی برای خودنهی گری اند؛ انسان از این راهها در بالا و پایین صلح برقرار می کند. صلح میان کسانی که در برابر ה' خودنهی کنند، ظرفی است که برکت را در خود نگاه می دارد.

پرسش هایی برای گفت و گو

1. ما **מר** چگونه به این پرسش پاسخ می دهیم که سازندگان چگونه می توانستند «برخلاف اراده ה'» موفق شوند؟
2. چرا حکمت عالم صدور «حکمتی شناخته شده» نامیده می شود، با آنکه بسیار فراتر از حکمت عالم فروتر است؟
3. تمثیل قوای روح – که در روح یکی اند و در بدن از هم جدا می شوند – چگونه تفاوت میان آکودیم و عالم صدور را روشن می کند؟
4. چرا شمول متقابل به خودنهی گری وابسته است، و چرا نام **מ"ה** آن را پدید می آورد؟
5. اگر یگانگی حتی برای کسانی که «به بت ها پیوسته اند» برکت می کشد، چرا پراکنده شدن بدکاران سودمند است؟ این چه چیزی درباره یگانگی ای می آموزد که باید در پی آن باشیم؟

یادداشت‌ها

بند 1

1 ویاמר — הן עם אחד

این یادداشت می‌گوید که رونویسی این گفتار به قلم میتلر ربی (ادمو"ر **האמצעי**) در آن‌جا چاپ شده است، همراه با چند حاشیه از تسماخ تسدک؛ این نسخه‌ای موازی از همان مأمر است.

Song of Songs 4:2 שיר השירים ד':ב'

שׁוֹנֵךְ כַּעֲדָר הַקְּצוּבוֹת שְׁעָלוּ מִן־הַרְחֶצֶה שְׁפָלָם מִתְאַיְמוֹת וְשִׁפְלָה אֵין כְּהֶם:

Thy teeth are like a flock of ewes all shaped alike, Which are come up from the washing; Whereof all are paired, and none faileth among them.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

הנחת כ"ק אדהאמ"צ במאמרי אדה"ז פרשיות נח ע' סא (עם איזה הגהות מכ"ק הצ"צ). ראה לעיל בציונים לכ"ק אדמו"ר זי"ע. המאמר, עם הגהות, באוה"ת בראשית כרך ו תתרסא, א (מלקו"ת לג"פ ומקבילו בסה"מ תרל"ח). ראה גם באוה"ת בראשית כרך ז תתשעה, ב. ד"ה זה נזכר בלקו"ת אמור לח, א. פ' נשא כב, ד. מטות פז, א. שה"ש ד, ב. לח, ב. ד"ה זה בסה"מ תרמג ע' ג.

2 ויאמר ה' הן עם אחד

سخنان ה' دربارهٔ نسل پراکندگی: چون قومی واحد و زبانی واحدند، هرچه قصد کنند از آنان بازداشته نخواهد شد. این آیه موضوع سراسر **מאמר** (maamar) است.

Genesis 11:6 בראשית י"א:ו'

וַיֹּאמֶר ה' הֵן עַם אֶחָד וּשְׁפָה אַחַת לְכָלָם וְזֶה הַחֲלָם לַעֲשׂוֹת וְעַתָּה לֹא־יִבְצֵר מֵהֶם כָּל אֲשֶׁר יִזְמוּ לַעֲשׂוֹת:

And the L-RD said: 'Behold, they are one people, and they have all one language; and this is what they begin to do; and now nothing will be withholden from them, which they purpose to do.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית יא, ו.

3 ולכאורה תמוה איך לא יבצר

این یادداشت متذکر می‌شود که رونویسی چاپ‌شده در آن‌جا، افزون بر دو پرسشی که این‌جا مطرح شده، پرسش‌های دیگری نیز دربارهٔ آیه پیش می‌کشد.

یادداشت کھوت

بمאמרי אדה"ז פרשיות ע' סא ישנם עוד קושיות. וראה גם תו"ח כאן סג, ג ואילך.

4 מי זה אמר ותהי אם ה' לא צוה

«چه کسی سخن گفت و واقع شد، اگر ה' فرمان نداده باشد؟» آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) از این آیه برای دقیق‌تر کردن پرسش استفاده می‌کند: هیچ چیز برخلاف خواست ה' واقع نمی‌شود.

Lamentations 3:37 איכה ג':ל"ז

מִי זֶה אָמַר וְיִהְיֶה אֲדֹנָי לֹא צִוָּה:

بند 2

8 בכתבי האריז"ל ובפרדס

بحتى موازی دربارهٔ نام‌هایی که محوکردنشان روا نیست و مراتب تجلی‌ای که با آنها متناظرند.

یادداشت کھوت

ע"ח שמ"ה פ"ג. ראה לקו"ת ויקרא הוספות נא, ג.

9 ז' שמות שאינן נמחקין

רִיבֵּה דר یادداشتی در همان‌جا دربارهٔ هفت نامی که محوکردنشان روا نیست

Who is he that saith, and it cometh to pass, When the L-rd commandeth it not?

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

5 מגדל וראשו בשמים

نقشهٔ سازندگان: شهری و برجی که سرش به آسمان‌ها برسد. **מאמר** (maamar) می‌پرسد مقصودشان از آن چه بود.

Genesis 11:4 בראשית י"א:ד'

וַיֹּאמְרוּ הֶבֶה נִבְנֶה־לָנוּ עִיר וּמִגְדָּל וְרֹאשׁוֹ בַשָּׁמַיִם וְנַעֲשֶׂה־לָנוּ שֵׁם כָּוֶן־נַפְוִי עַל־פְּנֵי כָל־הָאָרֶץ:

And they said: 'Come, let us build us a city, and a tower, with its top in heaven, and let us make us a name; lest we be scattered abroad upon the face of the whole earth

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

6 בלקו"ת להרח"ו ז"ל

تسماخ تسدک منبع را **לקוטי תורה** آریזال در پایان Parshas Noach, به نام ربی حییم ویتال، مشخص می‌کند و عبارت آن را در آن‌جا نقل می‌کند.

یادداشت کھوت

באוה"ת בראשית כרך ג תרנז, א "בלקו"ת מהאריז"ל ס"פ נח בשם מהרח"ו ז"ל" ושם מעתיק הלשון. וכ"ה שם תרסג, א. תרסד, א. אוה"ת בראשית כרך ו תתרסו, ב. שה"ש כרך ג ע' איב. מובא גם בד"ה זה תרמ"ג ע' א. ושם מפרש איך שייך שנברא יעשה נגד רצונו ית'.

7 בכח שמוש השמות

تسماخ تسدک توضیح می‌دهد که «به‌کارگیری نام‌ها» یعنی سوگندهای احضاری و نام‌های مقدسی که در روزگاران نخستین شناخته شده بودند: با بر زبان آوردن نام، نیروی برتر فرود آورده می‌شود. در **שמות** به تفسیر راشی بر کتاب מراثי و به Yevamos 116a (دربارهٔ «یا شاید با جهیدن») ارجاع می‌دهد.

Yevamot 116a יבמות קט"ז א

یادداشت کھوت

באוה"ת שם תרנז, א מפרש "ור"ל כי ענין ההשבעות ושמות הקדושים שהיו יודעים בימים הראשונים, היינו שע"י הזכרת השם ממשיך הכח עליון", וכ"ה שם תרסג, א. תרסד, א. ובאוה"ת שמות כרך ז ע' ב'תקסח מצייין לרש"י איכה סי' ב' ב'. יבמות קטז, א גבי אי נמי בקפיצה. ראה של"ה בהקדמה בית ישראל יד, א שמבאר דחכמת אדם הראשון שידע סוד המרכבה העליונה בהאותיות שבהן נמשך חיות הנבראים, ויש אותיות שמחיים בדרך מקיף וכמו ענין השבעת שמות דהשם, ע"ש. וראה גם סה"מ תשי"ב ע' 81.

بند 2

בשם העצם ועתה יהיה עסקנו בשאר השמות שאינם נמחקים: פרק ראשון: העשר שמות המיוחדים ליה"ש הם אהי"ה לכתר. יה"ה לחכמה. שם בן ד' בנקודת אלדים כזה ה' לבינה. אל לחסד. אלדים לגבורה. יהו"ה לת"ת. ולדעת המפרשים ידו"ד צבאות בנצח, אלדים צבאות בהוד. ולדעת הרשב"י ע"ה צבאות בנצח והוד כמו שנבאר. א"ל ח"י ביסוד לדעת קצת. והמוסכם ...

Pardes Rimmonim (Public Domain)

20 איך יתכן בחי' אנת הוא חכים וגם לית לך שם ידיעא

نسخة موازی، این پرسش را در چارچوب ده سפירות پنهان توضیح می‌دهد. یادداشت کھوت

במאמרי אדה"ז פרשיות שם ע' סד מבאר זה בענין ע"ס הגנוזות. וראה בלקו"ש חיי"ט ע' 419 בשולי הגליון. בלקו"ת שה"ש ד, ג מציין לכאן.

21 אנת הוא חד ולא בחושבן ואע"ג דאפיקת עשר תקונין

آغازِ پِتَاحِ الِياهُو (פֿתַח אֱלִיהוּ): «تو یکی هستی، اما نه به شمار؛ تو ده تیکונין (tikunim) [اصلاحات] را پدید آوردی.» آلتֶר רִיֶּה (אדמו"ר הזקן) این عبارت را هشداری می‌خواند که نباید به‌سبب ده‌تا بودن مراتبِ تجلی (سפירות, Sefiros), در ذاتِ ה' تقسیم‌هایی تصور کرد.

11-9 Tikunei Zohar תקוני הזהר י"ז א:ט' י"א

פתח אליהו ואמר רבון עלמין דאנת הוא חד ולא בחשבון. אנת הוא עלאה על כל עלאין סתימא על כל סתימין. לית מחשבה תפיסא בך כלל. אנת הוא דאפיקת עשר תקונין. וקרינן לון עשר ספירן. לאנהגא בהון עלמין סתימין דלא אתגליין. ועלמין דאתגליין. ובהון אתכסיאת (נ"א אתכסיאת) מבני נשא.

Constantinople, 1740 (CC-BY-NC)

بند 5

22 לכך גם החכמה דאצי' נק' חכמה ידיעא

در **בהר**، آلتֶר רִיֶּה توضیح می‌دهد که حروف چیزی جز پوششی برای عقلی که بیان می‌کنند نیستند و از حیث ذات با آن قابل قیاس نیستند؛ این نمونه‌ای موازی با فاصلهٔ میان سرچشمه و آن چیزی است که از آن امتداد می‌یابد. **بخش نשא** به این maamar بازمی‌گردد.

یادداشت کھوت

ע' בלקו"ת פ' בהר מג, ג [ב]. בלקו"ת נשא כב, ד מציין לכאן.

بند 6

23 בלשון הפרס עשר ספירות הגנוזות

در آنجا آتیره‌ربه توضیح می‌دهد که تاج بالاتر از هر ده مرتبهٔ تجلی است و این همانند «ده مراتبِ تجلی پنهان» در اصطلاح گائونیم است که به زبان آریزال، ده مراتبِ تجلی غتیک و آریخ آنبین‌اند.

یادداشت کھوت

נתבאר בלקו"ת בחקותי מז, ג. ובארוכה ספר הערכים-חב"ד כרך ג ע' רכז ואילך. אוה"ת ענינים ע' קא ואילך. שם ע' קע מבאר שיטת הפרס שענין ע"ס הגנוזות הם שרשי הכלים. וראה שם ע' של ואילך. באוה"ת סידור ע' קנה מציין לכאן.

24 ואין שם שום התחלקות כלל לע"ס

شرחי مفصل از اینکه در Akudim هیچ جدایی‌ای میان ده مراتبِ تجلی وجود ندارد.

یادداشت کھوت

נתבאר בארוכה באוה"ת בשלח ע' שצד ואילך. בד"ה כל הנהגה תרנ"ב ע' ק ואילך. אוה"ת ענינים ע' שיב. סה"מ תרל"ג כרך א ע' שטז. בלקו"ת אמור לח, א מציין לכאן.

25 היינו ע"י צמצום א"ק וצמצום הדיקנא

حاشیة آنجا دربارهٔ انقباض‌های عظیمی بحث می‌کند که عالم صدور از طریق آن‌ها پدید می‌آید—زمینهٔ این توضیح داخل کروشہ.

یادداشت کھوت

ראה תניא שער היחוד והאמונה פ"ט בהגהה. שרש מצות התפלה פרק לט (רלז, א).

26 ולכן נק' בשם ע"ס הגנוזות

متني موازی، پرسش روشنی را پیش می‌کشد: اگر آن‌ها در خود ذات پنهان‌اند، ذاتی که نوری ساده و فزاتر از هرگونه تقسیم است، چگونه می‌توان آن‌ها را ده‌تا شمرد؟

یادداشت کھوت

במאמרי אדה"ז — פרשיות ע' סד "דלכאורה דבר זה כפלא יחשב דאם הן גנוזות בעולם העצמות ממש א"כ איך ימצאו במספר ע"ס דוקא הלא אור העצמות הוא אור פשוט בתכלית למעלה מבחי' התחלקות לגמרי. ראה תורת חיים כאן סט, א דמבאר הקושיא יותר "דאיך ימצא המספר שהוא הגבול למעלה מן המספר ובלתי בע"ג" ע"ש בארוכה.

27 ויובן עד"מ כי הנה כחות הנפש

شرחי مفصل دربارهٔ تمثيل نیروهای جان.

یادداشت کھوت

נתבאר בארוכה בתו"ח שמות לו, ב (צילום כת"י הר"ש סופר). בדרך מצותיך עו, ב. ובאוה"ת שמות כרך ז ע' ביתצא ואילך. אוה"ת ענינים ע' רסט. שכת. המשל מכחות הנפש — ראה לקמן יג, ג ובארוכה בד"ה הגהות לפתח אליהו — תרנ"ח. בלקו"ת שה"ש ד, ב מציין לכאן: מהות הנפש שכל ומדות כו' (ר"ל שהוא מקור השכל והמדות כמ"ש בביאור ע"פ ולא תשבית מלח ובד"ה הן עם אחד ובד"ה פתח אלי).

بند 7

28 שהיא עצם א'

این یادداشت از تسماخ تسدק نقل می‌کند که اگر قوا در نفس متمایز بودند، نفس به ۲۴۸ جزء متفاوت تقسیم می‌شد؛ اما چنین نیست، زیرا نفس جوهری روحانی و واحد است.

یادداشت کھوت

באוה"ת ענינים ע' רסט "שלפ"ז יהי' בהתחלקות לרמ"ח חלקים שונים כו' וזה אינו שהוא עצם א' רוחני".

بند 8

29 ששם הם כולם מיוחדים כאלו הם רק דבר א' ממש

بحثی بیشتر دربارهٔ اینکه چگونه قوا در نفس به‌صورت یکی متحدند.

یادداشت کھوت

ראה באוה"ת שמות כרך ז ע' ביתצב. דרך מצותיך עז, א.

بند 9

30 שו"ה ועד"ז — כל בחי' בכלי בפ"ע

بحثی موازی که در آن عوالم תיקון (Tikkun) [اصلاح], **עקודים** و آدم کدمון به‌ترتیب «آدم» عالم عمل (**עשיה**, Asiyah)، عالم صورت‌بخشی و عالم آفرینش نامیده می‌شوند: تیکون، که در آن هر مرتبهٔ تجلی جداگانه است و سپس در مجموع گنجانده می‌شود، عالم عمل نامیده می‌شود؛

עקודים، که در یک ظرف به هم بسته‌اند، آدم عالم صورت‌بخشی است؛ و آدم کدمون آدم عالم آفرینش است.
 یادداشت کھوت
 رאה לקו"ת בהר מג, ד.

بند 10

31 כ"א כל הע"ס הגנוזות הם דבר א' ממש

תִּסְפֹּחַ תְּסִידָא דִּידְגָא אֲרִיזָא (האריז"ל) را دربارهٔ این‌که چگونه می‌توان **عقودים** را ده **ספירות** نامید، توضیح می‌دهد. در p. 285 ظاهراً به این **مَأمَر** اشاره دارد که ده **ספירות** نهفته را در **عقودים** جای می‌دهد، نه در خودِ نور بی‌پایان.
 یادداشت کھوت

באזה"ת ענינים ע' רפב ואילך מבאר שיטת האריז"ל בעקודים איך הם נקראים ע"ס. וראה שם בעמוד רפד מה שמעתיק מהנחות הר"פ ע' קסט. וראה גם במאמרי אדה"ז פרשיות פ' נח ע' סו. וע' סז. באזה"ת ענינים ע' רפה וכנראה שמציין לד"ה זה, שכאן מבאר דע"ס הגנוזות לא שייך בא"ס רק הן בעקודים וכן מבאר בכמה דרושים, ושם מציין להנחות הר"פ הג"ל דשם משמע דאפי' באור א"ס הבלתי מוגבל שלמעלה מהקו שייך ספירות ע"ש.

32 מתיבת למשפחותיכם

תלמוד بحث می‌کند که واژه‌ای بلند مانند «برای خانواده‌هایتان» (**למשפחותיכם**, lemishpechoseichem) چگونه باید در طومار توراه نوشته شود؛ یادداشت‌های کھوت برای پیشینهٔ این مثال به آنجا ارجاع می‌دهند.

Menachot 30a מנחות ל' א

یادداشت کھوت
 בא יב, כא. פינחס לג, גד. וראה מנחות ל', א. שו"ע יו"ד סי' ערב ס"ב.

33 למשפחותיכם

یکی از آیاتی که این واژه بلند در آن آمده است («برای خانواده‌هایتان گوسفند بگیرید»). آلتز ربه (**ادمو"ר** **הוקן**) آن را نمونه‌ای از واژه‌ای می‌آورد که معنایش فقط هنگامی پدیدار می‌شود که همهٔ حروفش در کنار هم باشند.

Exodus 12:21 שמות י"ב:כ"א

ויקרא משה לְכָל־זִקְנֵי יִשְׂרָאֵל וַיֹּאמֶר אֲלֵהֶם מִשְׁכוּ וּקְחוּ לָכֶם צֹאן לְמִשְׁפַּחְתִּיכֶם וּשְׁחֲטוּ הַפֶּסַח:

Then Moses called for all the elders of Israel, and said unto them: 'Draw out, and take you lambs according to your families, and kill the passover lamb.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

34 למשפחותיכם

این واژه همچنین در فرمان تقسیم سرزمین بر پایهٔ خانواده‌ها آمده است. یادداشت‌های کھوت هر دو آیه را فهرست می‌کنند.

Numbers 33:54 במדבר ל"ג:נ"ד

והתנחלתם את־הָאָרֶץ בְּגוּרָל לְמִשְׁפַּחְתִּיכֶם לְרֵב תָּרְבוּ אֶת־יִנְחֵלְתוֹ וְלַמְעַט תִּמְעִיט אֶת־יִנְחֵלְתוֹ אֶל אֲשֶׁר־יֵצֵא לוֹ שְׁמָה הַגּוּרָל לוֹ יִהְיֶה לַמְּשֹׁת אֲבֹתֵיכֶם תִּתְנַחֲלוּ:

And ye shall inherit the land by lot according to your families —to the more ye shall give the more inheritance, and to the fewer thou shalt give the less inheritance; wheresoever the lot falleth to any man, that shall be his; according to the tribes of your fathers shall ye inherit

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

35 ועמ"ש ע"פ את שבתותי תשמרו

در آنجا، شبات فروتر خودنفی‌گری «چیژ» به «هیچ» در مرتبهٔ حکمت (koach mah) است و شبات برتر خودنفی‌گری حقیقی در ورای حکمت؛ این با فاصله‌ای که در اینجا میان **עקודים** و خود نور بی‌پایان مطرح است، موازی است.

یادداشت کھوت
 رאה לקו"ת בהר מג, ב.

36 את שבתותי תשמרו

«شبات‌های مرا نگاه دارید و حرم مرا گرامی بدارید؛ من ה' (Havayah) هستم»؛ این آیهٔ پایانی پاراشای بهار (**בהר**) است. مامار آلتز ربه دربارهٔ آن در «لیکوتی توراه» (**לקוטי תורה**)، بهار، «شبات‌های مرا» را به‌معنای شباتی فروتر و شباتی برتر می‌خواند: دو مرتبه از خودنفی‌گری (**ביטול**, bittul).

Leviticus 26:2 ויקרא כ"ו:ב

אֶת־שַׁבְּתוֹתַי תִּשְׁמְרוּ וּמִקְדָּשִׁי תִירָאוּ אֲנִי ה'

Ye shall keep My sabbaths, and reverence My sanctuary: I am the L-RD

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

37 שו"ה בענין — ועד"ז ההפרש בין הארת הקו להרשימו

תִּסְפֹּחַ תְּסִידָא אִינן بخش را دربارهٔ خطِ نور و اثرِ باقی‌مانده در آنجا نقل می‌کند.
 یادداشت کھوت
 מובא באזה"ת כי תצא ע' התקכד.

38 הארת הקו מאיר בכל עולם לפי ערכו

بحثی دربارهٔ این‌که خط نور در هر عالم متناسب با اندازهٔ آن چگونه می‌تابد.
 یادداشت کھوت
 رאה באזה"ת בשלח ע' תצה. ובביאור"ז לכ"ק הצ"צ כך א ע' פח ואילך בענין המשכה שע"י הקו.

39 בחי' הכוללת לכל העולמות

תִּסְפֹּחַ תְּסִידָא در آنجا اشاره می‌کند که بنا بر نظری میکدאש מִלֵּחַ, اثرِ باقی‌مانده همان اور הַכְדְּמוֹן (نورِ نخستین) است، و به‌تفصیل آن را بررسی می‌کند.
 یادداشت کھوت

באזה"ת פ' כי תצא ע' התקכד מציין ע"ז כ"ק אדמו"ר הצ"צ "ועי' במק"מ שהרשימו הו"ע האור הקדמון" ע"ש בארוכה. ובמאמרי אדמו"ר הזקן תקס"ח ע' שכה.

40 וע' באגה"ק מאמר איהו וחיוהי

نامه‌ای در «تانيا» (**תניא**)، «ایگرت هاكودش» (**אגרת הקודש**) که با عبارت «او و نیروي حياتش یکی هستند» آغاز می‌شود. آلتز ربه برای اشاره به مراتب بسیار نور در پایین‌تر از خطِ نور (קו, kav)، «پرتوی از پرتوی»، به آن ارجاع می‌دهد.

Tanya, Iggeres HaKodesh 20:22 תניא, אגרת הקדש כ"כ:ב

وְכָל זֹאת בְּבְחִינַת הַתְּפָשׁוּת הַחַיּוּת לְהַחְיּוּתָם. אֲמָנָם, מִצִּיאֹתוֹ וּמַהוּתוֹ שֶׁל אוֹר הָאֵין־סוֹף — אֵינוֹ בְּגֵד מְקוֹם כָּלָל, וְסוֹבֵב כָּל עֲלָמִין בְּשׁוֹה, וְיֵאֵת הַשְּׁמַיִם וְאֵת הָאָרֶץ אֲנִי מְלֵא" בְּהַשְׁוֹאָה אֶחָת, וְ"לִית אֶתֶר פְּנוּי מִיָּנִיָּה" אֵף בְּאָרֶץ הַלְלוּ הַגְּשָׁמִית, רַק, שֶׁהוּא בְּבְחִינַת מְקִיף וְסוֹבֵב, וּכְמוֹ שֶׁנֶּתְבָּאֵר הַפִּירוּשׁ בְּלִקוּטֵי אֲמָרִים, וְלֹא הַתְּפָשׁוּת וְהַתְּלַבְּשׁוּת הַחַיּוּת

כחב"ד שבחסד חג"ת שבחסד כו' ואז נק' ספירה, ובחי' הפרצוף הוא ריבוי התחלקות יותר, דהיינו שגם הע"ס שכלולים בכאוו"א מה"ס מתכללים עוד להיות כלול כאוו"א מי', וכמו חסד שבחסד שבגבורה. . והוא עיקר בחי' התיקון שנק' פרצוף אדם" ע"ש. וראה בשרש מצות התפלה פרק מז. באוה"ת פ' פנחס ע' אפח (מיוסדים על סה"מ תקס"ה כרך ב ע' תשמח) שמביא משל לזה מזריעה.

46 זכר ונקבה בראם ועי"ז ויברך אותם

«נר ו מדה אפרידشان ו ברקشان דאד.» אלתר רבה (אדמו"ר הזקן) תרתיב איה רא چنین می خواند که برکت از راه پیوند آنان حاصل می شود.

Genesis 5:2 בראשית ה:ב

זכר ונקבה בראם ויברך אותם ויקרא את שמם אדם ביום הבראם:

male and female created He them, and blessed them, and called their name Adam, in the day when they were created
Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

47 דאכל בי עשרה שכינתא שריא

آموزه تلمود که حضور الهی (שכינה, Shechinah) بر هر اجتماع دهنفره قرار می گیرد. آلتیر ربه از آن استفاده می کند تا نشان دهد که پیوند با یکدیگر، حضوری برتر از آنچه افراد به تنهایی دارند، فرامی خواند.

Sanhedrin 39a:11 سנהדרין ל"ט א:י"א

אמר לקה קיסר לרבן גמליאל: אמריתו כל בי עשרה שכינתא שריא, כמה שכינתא איכא? קרייה לשמיעה, מתא בקה באפתקא. אמר לקה: אמאי על שמשא בביתיה דקיסר? אמר לקה: שמשא אכולי עלמא ניקח. ומה שמשא דחד מן אלה אלפי רבוא שמשי דקמי קודשא בריך הוא ניקח אכולי עלמא, שכינתא דקודשא בריך הוא על אחת כמה וכמה.

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

48 ע"י שם מ"ה המאיר בעולם התקון

رونویس میتر ربه (אדמו"ר האמצעי) از این Maamarei maamar Admur HaZaken (מאמרי אדמו"ר הזקן), p. 71 برای این دیدگاه به עץ חיים (Sha'ar 7, chapter 2) استناد می کند که گنجانده شدن جهان اصلاح (עולם התיקון, Tikkun) در پی تابش نام نو מ"ה (Mah) از آدم نخستین (آدم קדמון, Adam Kadmon) رخ می دهد.

Sefer Etz Chaim 7:2-3 עץ חיים ז:ב-ג

... את ה' אורות ונתנם בחכמה ואז החכמה הפכה פניה אחר שקבלה ה' אורות ומאירה לבניה פכ"פ הארה לבדה אבל אינה נותנת לה עדיין את הח' (נ"א את הז') אורות. אח"כ חזר אור הכתר להיות מטי בכתר ואז אור החכמה חזר להתעלם בכתר מחמת החשק שיש לה להתחבר עם הכתר ואז כלי חכמה הפך פניו אל הכתר ונתן לו את האור שלו אך אור הבינה שהוא [שהיה] בחכמה אינה עולה עמו בכתר מחמת חשק הבנים שהיא אמם. וכבר ביארנו כי אין מציאות חזרת פנים ואחור רק בבחי' כלים אבל באורות ...

Sefer Etz Chaim (Public Domain)

49 ע"י שם מ"ה המאיר בעולם התיקון. . שם מ"ה דא"ק

رونوشت موازی از عتس حاییم نقل می کند که علت دربرگرفتن در عالم برودیم، عالم تیکون، پرتو نام نو מ"ה است که از آدم کادمون می تابد.

יادداشت كهوت

במאמרי אדה"ז פרשיות שם ע' עא בשם הע"ח [שער ז פרק ב] שסיבת התהוות ההתכללות בעולם הברודים הנק' עולם התיקון הוא ע"י הארת שם מ"ה החדש שמאיר בא"ק. וראה ד"ה ושבתה בדרך מצותיך קע, א.

להתיוותם ולהיותם מאין ליש, כי אם עלי ידי הארה דהארה דהארה וכו' מה"קו", כנזקר לעיל.

Kehot Publication Society (CC-BY-NC)

41 שויה וצ"ע. . דהארה דהארה

تیسخ تیسوک دشواری را چنین پاسخ می دهد: شاید از حیث آشکارشدن، خط نور بالاتر باشد؛ زیرا از طریق آن، آشکارشدن به عالم صدور و بالاتر می رسد و ریشه اش در نور بی پایان، بالاتر از انقباض است؛ اما اثر باقی مانده نوری است که انقباض اصلاً به آن نرسیده است. او می افزاید که این دیدگاه میکداش میخ نیز هست.

יادداشت كهوت

ראה ביאור ע"ז באוה"ת פ' נח (מלקו"ת לג' פרשיות) תתשצד, א. ובדף תתרסח, ב מתרץ וז"ל: "ואולי י"ל שבענין הגילוי הקו גבוה יותר שע"י הארת הקו נמשך הגילוי באצ"י ובלמעלה מהאצ"י, וגם כי שורש ענין בקיעת הקו הוא באוה"ס שלמעלה מהצמצום שהוא בוקע להיות נמשך בחי' צמצום הקו כו', אמנם הרשימו היא בלתי צמצום כלל, שהרי מה שנתצמצם עד שלא נשאר רק רשימו. . נסתלק לצדדי. . ומה שנשאר בבחי' הרשימו הי"ז אור שלא נגע בו הצמצום כלל" ע"ש עוד פ". ובכרך ז תתשצד, א כתב שכן דעת המק"מ בפ' בראשית בביאור בריש הורמנותא. וכן מציין לזה בד"ה קו ציפור אוה"ת כי תצא ע' תתקכד. בענין הצ"ע ראה בספר שערי עינים בדא"ח כרך ב שער החמישי סי' ח שמבאר בארוכה הצ"ע של הצ"צ, ומה שכתב כ"ק מהר"ש על ענין זה. וראה גם באוה"ת עינים ע' קסו. ובארוכה בהמשך ר"ה תרס"א ע' קסו ואילך. המשך יונת תר"מ פרק ו. תער"ב ח"ג ע' אירס מציין להלקו"ת לג"פ.

بند 11

42 בעולם הנקודים ה' שבה"כ

تسمح تسدك (הצמח צדק, the Tzemach Tzedek) در آنجا درباره شکستن ظرفها در عالم نکودים بحث می کند.

يادداشت كهوت

ראה ע"ח שער ז פ"א. דרך מצותיך ביאור ושבתה קע, א.

43 בעולם הנקודים ה' שבה"כ

کتاب عץ حיים (עץ חיים) از آريزال (האר"י) (Sha'ar 7, chapter 1), که در یادداشت های Kehot به آن استناد شده، درباره شکستن ظرفها در جهان نقطه ها (عולם הנקודים, Nekudim) است.

Sefer Etz Chaim 7:1 עץ חיים ז:א

44 לפי שהיו רק בבחי' נקודות כל א' בחי' בפ"ע

رونوشت موازی در آنجا بیشتر توضیح می دهد که در نکودים، هر نقطه به خودی خود به ده بخش تقسیم نمی شود.

يادداشت كهوت

וכ"ה לקמן. ובמאמרי אדה"ז פרשיות ע' סט מבאר זה יותר שכי "אבל כאו"א אינו מתחלק עוד לי" ע"ש בארוכה. ונתבאר בתו"ח כאן עה, ג בענין ב' מיני התחלקות דתהו ותיקון.

45 ונק' פרצוף אבא וכן פרצוף ז"א

در آنجا تفاوت نقطه، مرتبه تجلی و پارتسوف توضیح داده می شود: نقطه به ده بخش تقسیم نمی شود؛ مرتبه تجلی به ده بخش تقسیم می شود؛ و پارتسوف دربرگرفتن دوباره هر یک از این ده مرتبه در ده مرتبه است – جوهر تیکون، که پیکربندی آدم نامیده می شود.

يادداشت كهوت

ההפרש בין נקודה ספירה ופרצוף (המובא בע"ח שער הפרצופים פ"ז) מבואר במאמרי אדה"ז פרשיות ע' סט "שהנקודה בלתי מתחלק לי', ובחי' הספירה היינו שכאו"א מהי"ס מתחלק לי"ס כמו אור חסד מתחלק לי"ס

50 ונחנו מה

سخن موسی (משה) ו הارون (אהרן): «و ما چه هستیم؟» - تعبیر کلاسیک خودنقگی (ביטול, bittul) که نام מ"ה (Mah) معنای بیטול را از آن می‌گیرد.

Exodus 16:7 שמות ט"ז:ד'

ובקר וראיתם את־קבוד ה' בשמעו את־תלנותיכם עליה' ונחנו מה כי תלינו עלינו:

and in the morning, then ye shall see the glory of the L-RD; for that He hath heard your murmurings against the L-RD; and what are we, that ye murmur against us

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

12 بند

51 דבתפארת בהכלי ג"כ הוא מבחי' שם הוי"ה

در گفتار החלוצو מאתכם (לקוטי תורה, משות 20:6-21)، درباره «تا انتقام ה' را از مدیان بگیرند»، آلتز ربه توضیح می‌دهد که مدیان، ستیزه‌جویی و جدایی، نقطه مقابل نام ה' است که حقیقتش صلح و درهم‌آمیختگی است؛ و از راه درهم‌آمیختگی نوری برتر از مرتبه‌ای که همه‌چیز را دربرمی‌گیرد امتداد می‌یابد. این همان اصلی است که این بند درباره تפארת به کار می‌گیرد.

یادداشت كهوت

וע', מזה בלקו"ת פ' תזריע בד"ה אם בהרת קדמה. ובד"ה החלוצו מאתכם בענין לתת נקמת הוי' במדין שע"י ההתכללות דוקא זהו כלי לגילוי ואו"ס. — אוה"ת כרך 1 שם תתסד, ב בלקו"ת לג"פ פ' נח עה, ד. ראה באוה"ת ענינים ע' קעב שמבאר הגם שבב' הקיין חח"נ ובג"ה מאיר אור הכתר ואעפ"כ לא יקרא בשם הוי' ע"ש.

52 יעקב שלימו דאבהן

زهر (זהר) یعقوب (יעקب) را «کمال پدران قوم» می‌نامد، زیرا صفت او، زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes), صفات ابراهیم (אברהם) و اسحاق (יצחק) را با هم متحد می‌کند.

Zohar I, 171a זח"א קעא, א

یادداشت كهوت

זח"א קעא, א. رאה לקמן יז, ג.

53 ישב אוהלים

عیسو (עשו) شکارچی‌ای ماهر و مردی از دشت شد، «و یعقوب مردی کامل و ساکن خیمه‌ها بود». این מאמר (maamar) این لقب را در کنار «کمال پدران قوم» به‌عنوان نامی برای یعقوب می‌آورد؛ صفت یعقوب، تפארת, مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) را به هم می‌پیوندد.

Genesis 25:27 בראשית כ"ה:כ"ז

וַיִּגְדְּלוּ הַנְּעָרִים וַיְהִי עֵשָׂו אִישׁ יָדָע צִיד אִישׁ שָׂדֶה וַיַּעֲקֹב אִישׁ תָּם יִשָּׁב אֱהָלִים:

And the boys grew; and Esau was a cunning hunter, a man of the field; and Jacob was a quiet man, dwelling in tents

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

54 יעקב המשיך בחי' עקודים נקודים וברודים

יעقوب خوابش را برای راحیل (רחל) و لیه (לאה)، در زمانی که گله‌ها جفت‌گیری می‌کردند، بازگو می‌کند: قوچ‌ها «راه‌راه، خال‌خال و ابلق» بودند (עקודים, akudim; نקודים, nekudim و ברודים, u-verudim). دستمزد او از لابان (لبن) چنین بره‌های نشان‌داری بود؛ پس «یعقوب این

گونه‌ها را بیرون کشید». آریزال (האריז"ל) همین سه واژه را برای سه مرحله مراتب تجلی (ספירות, Sefiros) به کار می‌برد.

Genesis 31:10 בראשית ל"א:י'

וַיְהִי בַּעַת יָחֵם הַצֹּאן וְאִשָּׁא עֵינָי וְאָרָא בְּחִלּוֹם וְהִנֵּה הָעֲתִידִים הָעֲלִים עָלַי הַצֹּאן עֲקָדִים וְנָקָדִים וְכָרְדִּים:

And it came to pass at the time that the flock conceived, that I lifted up mine eyes, and saw in a dream, and, behold, the he-goats which leaped upon the flock were streaked, speckled, and grizzled

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

55 תפארת נקי' אות אמת

راحاب (רחב)، که جاسوسان یوشع (יהושע) را در اریحا پنهان کرد، از آنان می‌خواهد سوگند بخورند که خانواده‌اش را در امان دارند و «نشانه‌ای از راستی به من بدهند». زهر این عبارت را ناظر به حرف واو (ו, vav) می‌داند، زیرا واژه אות (os) هم به‌معنای «نشانه» است و هم «حرف»؛ و آلتز ربه این عنوان را به تפארת می‌دهد.

Joshua 2:12 יהושע ב':י"ב

וַעֲתָה הַשְּׁבַע־נָא לִי בְה' כִּי־עָשִׂיתִי עִמָּכֶם חֶסֶד וְעִשְׂתֶּם גַּם־אִתָּם עִם־בֵּית אָבִי חֶסֶד וְנִתְתֶּם לִי אוֹת אֱמֶת:

Now therefore, I pray you, swear unto me by the L-RD, since I have dealt kindly with you, that ye also will deal kindly with —my father's house—and give me a true token

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

56 אות אמת

در آغاز پاراشای وایکرا (ויקרא)، زهر درباره سخنان راحاب، «نشانه‌ای از راستی به من بده»، می‌گوید که مقصود حرف واو (ו) است: حرف‌های دیگر نیز راست‌اند، اما این حرف «نشانه راستی» نامیده می‌شود. آلتز ربه این را بر تפארת تطبیق می‌کند؛ همان صفتی که واو نماینده آن است.

Zohar, Vayikra 1:1-7 ספר הזהר, ויקרא א':א'-ז'

57 ע' בזהר ר"פ ויקרא

تسماع تسدک در آنجا از the זהר نقل می‌کند: «نشانه‌ای از حقیقت به من بده» - این حرف واو است؛ و اگر بگویی حروف دیگر حقیقت نیستند، آنها هم حقیقت‌اند، اما این یکی «نشانه حقیقت» نامیده می‌شود.

یادداشت كهوت

”ע"פ ונתתם לי אות אמת דא אות וי"ו ואי תימא שאר אתון לאו אינון אמת אין אלא אות דא אות אמת אקרי" — אוה"ת ענינים ע' קעד. وראה גם בבאורא"ז להצ"צ כרך 4 ע' שיג ואילך.

58 הגדול הגבור

موسی (משה)، هنگامی که به اسرائیل یادآوری می‌کند ه' از آنان چه می‌خواهد، او را «ה' بزرگ، نیرومند و هیبت‌انگیز» می‌خواند؛ دعای ایستاده محوری، غمیدا (עמידה, Amidah), نیز با همین کلمات آغاز می‌شود. فقط واژه سوم حرف ربط واو (ו) را دارد («و هیبت‌انگیز»); آلتز ربه این را به تפארת پیوند می‌دهد.

Deuteronomy 10:17 דברים י':י"ז

כִּי ה' אֱלֹהֵיכֶם הוּא אֱלֹהֵי הָאֱלֹקִים וְאֱדֹנֵי הָאֱדֹנִים הָאֵל הַגָּדֹל הַגִּבּוֹר וְהַנּוֹרָא אֲשֶׁר לֹא־יֵשָׂא פָנִים וְלֹא יִקַּח שֹׁחַד:

For the L-RD your G-d, He is G-d of gods, and L-rd of lords, the great G-d, the mighty, and the awful, who regardeth not persons, nor taketh reward

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

64 וכל נתיבותי שלום

דריאָרֶה תּוֹרַת גִּפְתֵּה שְׂדֵה אֶסְת: «רַה־הַיִּשׁ רַה־הַיִּשׁ דִּלְיִירִי אֶסְת ו הֶמֶה מִסִּירֶה־הַיִּשׁ שְׁלֵחַ אַנְד.»

Proverbs 3:17 מְשָׁלִי ג' י"ז

דְּרָכָהּ דְּרָכֵי־נֶעֱם וְכָל־נְתִיבוֹתֶיהָ שְׁלוֹם:

Her ways are ways of pleasantness, And all her paths are peace.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יִאדֹאשְׁתִּי קֹהוֹת

מְשָׁלִי ג', י"ז.

65 או יחזיק במעוזי

דִּר סִרּוּד תַּאֲכִסְתָּאן אִשְׁעִיָּא, קֶה תְּצוּרִי אִז אִסְרַאֲנִיל אֶסְת, ה' אִז קִסִּי שִׁחַן מִי־גוּיִד קֶה «בֶּה נִירוּי מִן כִּנְג זֶנֶד תַּא בַּ מִן שְׁלֵחַ קֶנֶד». תִּלְמוּד (סַנְהֶדְרִין 99b) אִין אִיֶּה רַא בִּר קִסִּי תְּטַבִּיץ מִי־דֶה קֶה תּוֹרַת רַא בִּרַּא אִיֶּדּוּ תּוֹרַת מִי־אִמּוּרֶד; כִּנְיִן קִסִּי דִּר חַאנְדַּאן אֶסְמַאן ו חַאנְדַּאן זִמִּינִי שְׁלֵחַ בִּרְקַרַּר מִי־קֶנֶד.

Isaiah 27:5 יִשְׁעִיהוּ כ"ז ה'

או יחזק במעוזי יעשה שלום לי שלום יעשה לי:

Or else let him take hold of My strength, That he may make peace with Me; yea, let him make peace with Me.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יִאדֹאשְׁתִּי קֹהוֹת

יִשְׁעִי כֶז, ה'.

66 שלום בפמליא של מעלה ובפמליא של מטה

תִּלְמוּד אִז יִשְׁעִיהוּ 27:5 מִי־אִמּוּרֶד קֶה קִסִּי קֶה תּוֹרַת רַא בִּרַּא אִיֶּדּוּ תּוֹרַת מִי־אִמּוּרֶד, דִּר חַאנְדַּאן אֶסְמַאן ו חַאנְדַּאן זִמִּינִי שְׁלֵחַ בִּרְקַרַּר מִי־קֶנֶד.

Sanhedrin 99b:10-11 סַנְהֶדְרִין צ"ט ב:י"א-י"א

אָמַר רַבִּי אֱלֶכְסַנְדְּרִי: קָל הָעוֹסֵק בְּתוֹרַה לְשִׁמּוֹשׁ מְשִׁים שְׁלוֹם בְּפִמְלִיאָא שְׁל מַעְלָה וּבְפִמְלִיאָא שְׁל מַטָּה, שְׁנַאָמַר: "אוּ יַחְזִיק בְּמַעְזְרֵי יַעֲשֶׂה שְׁלוֹם לִי שְׁלוֹם יַעֲשֶׂה לִי". רַב אָמַר: כִּאִילוּ בְּנֵה פִלְטָרִין שְׁל מַעְלָה וְשְׁל מַטָּה, שְׁנַאָמַר: "וְאֵשִׁים דְּבָרִי בְּפִיָּה וּבְצִלָּהּ דְּיָדִי כְּסִיתִיהָ לְנִטְעָ שְׁמִים וְלִיסַד אֶרֶץ". רַבִּי יוֹחָנָן אָמַר: אִף מִגִּדּוֹ עַל קָל הָעוֹלָם כּוּלּוּ, שְׁנַאָמַר: "וּבְצִלָּהּ דְּיָדִי כְּסִיתִיהָ". וְלִזֵּי אָמַר: אִף מִקְרַב אֶת הַגָּאֻלָּה, שְׁנַאָמַר: "וְלִאֲמֹר לְבִיּוֹן עַמִּי אֲתָה".

R' Alexandri said: All who engage in Torah for its own sake make peace in the household above and in the household below, as it says "If they would grasp My fortress, they would make peace for Me, they would make peace for Me." (Yeshayahu 27:5) Rav said: it is as if he built the palace above and below, as it says "And I placed My words into your mouth, and with the shadow of My hand I covered you, to ... plant the heavens and to found the earth..." (Yeshayahu

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC) • Rabbi Mike Feuer, Jerusalem Anthology (CC-BY)

59 ויש בו תוספות וי"ו והנורא

אַלְתֵּר רֶבֶה דִּר אַנְיָ תּוּזִיחַ מִי־דֶה קֶה שְׁלֵחַ דּוּ אִמֶּר מִתְּצַד רַא אִז רַאֵה נּוֹרִי בִּרְתֵּר בֶּה הֶמ מִי־פִיּוֹנֶד קֶה הֶר דּוּ דִּר בִּרְאִרִּשׁ בֶּה חַאֲלַת־חֻדְנִפִּי־גִרִּי דִּרְמִי־אִינֶד; ו אִין הֶמַּן גִּרְיַאנִי אֶסְת קֶה וַאֵו אִפְזוּדֶה דִּר «ו הוֹל־אִנְגִּיז» בִּר אֵן דִּלַּלְת דַּרְד (בִּרְחַלַּף «בִּזְרֵג, נִירוּמֶנֶד» קֶה וַאֵו אִפְזוּדֶה נִדַּרְנֶד): גִּרְיַאנִי אִז כָּל אִלְיוֹן (קֶל עִלְיוֹן, Kel Elyon), פִּרַּאֲרִי אִז זִנְגִּירֶה נְזוּל.

יִאדֹאשְׁתִּי קֹהוֹת

רַה־הַיִּשׁ לְקוּיִת וַאֲתַחֲנֶה ה', א. אֹה־הַיִּת עֲנִינִים ע' קֶעֶא וַאֲיִלְדִּךְ בַּאֲרוּכָה.

60 מה נורא המקום הזה

סִיחַאן יַעֲקוֹב הֶנְגַּם בִּידַרְשְׁדֵּן אִז חּוּאִיִּשׁ. אִיֶּה וַאֲזֶה «גֶּה», מַה (Mah), רַא בַּ «הֵיבִית־אִנְגִּיז» פִּיּוֹנֶד מִי־דֶה: אִין בַּ פִּיּוֹנֶדִּי קֶה דִּר אִינְיָ מִיָּאן נַאֵם מַה ו תַּפִּאֲרַת בִּרְקַרַּר מִי־שׁוּד, מַטְבַּקֵּת דַּרְד.

Genesis 28:17 בִּרַאשִׁית כ"ח י"ז

וַיֵּרָא וַיֹּאמֶר מַה־נִּוְרָא הַמָּקוֹם הַזֶּה אִין זֶה כִּי אֲבִי־בֵּית אֱלֹקִים וְזֶה שַׁעַר הַשָּׁמַיִם:

And he was afraid, and said: 'How full of awe is this place! this is none other than the house of G-d, and this is the gate of heaven.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

יִאדֹאשְׁתִּי קֹהוֹת

בִּרַאשִׁית כח, יז.

61 הוי"ה אחד

אִז שִׁמָּא (שְׁמַע, Shema; «בִּשְׁנוּ, אִי אִסְרַאֲנִיל»), אִעְלַם יִגְאִנְגִּי ה' קֶה שְׁבִיחַ ו שַׁמ גִּפְתֵּה מִי־שׁוּד: «ה' יְגַאנֶה אֶסְת». אֲלִתֵּר רֶבֶה אִין עִבַּרַת רַא כִּנְיִן מִי־פִּהֶד קֶה נַאֵם כְּאַרְחֻרְפִּי (ה', Havayah) סִרְגִּשְׁמֶה יְגַאנְגִּי ו שְׁמוּל אֶסְת.

Deuteronomy 6:4 דְּבִרִים ו' ד'

שמע ישראל ה' אֱלֹהֵינוּ ה' אחד:

HEAR, O ISRAEL: THE L-RD OUR GOD, THE L-RD IS ONE.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

62 לתת נקמת הוי"ה במדין

מוֹסִי (מִשָּׁה) בֶּה אִסְרַאֲנִיל מִי־גוּיִד מִרְדַּאנִי רַא בִּרַּא כִּנְג בַּ מִּדְיָאן מִסְלַח קֶנֶד תַּא «אִנְתַּקַּם נַאֵם כְּאַרְחֻרְפִּי (ה', Havayah) רַא אִז מִדְיָאן בִּקְבִירֶנֶד». דִּר לִיְקוּתִי תוֹרָא (לְקוּטִי תוֹרָה, מִטוֹת 21-6:20), אֲלִתֵּר רֶבֶה (אִדְמוּרִי הִזְקוּ) תּוּזִיחַ מִי־דֶה כְּרַא אִין אִנְתַּקַּם, אִנְתַּקַּם ה': אֶסְת: מִדְיָאן, יַעֲנִי נְזַאע ו נִפְרִיט בִּי־אִסַּס, תִּפְרָקֶה אֶסְת; נִקְטֶה מַקְבִּיל ה' קֶה זַאֲתִּשׁ שְׁלֵחַ ו גַּמְעִיַת אֶסְת.

Numbers 31:3 בְּמִדְבַר ל"א ג'

וַיְדַבֵּר מֹשֶׁה אֶל־הָעָם לֵאמֹר הִקְלָצוּ מֵאֲתָכֶם אַנְשִׁים לַעֲבֹא וַיְהִיו עַל־מִדְיָן לְתֵת נִקְמַת־ה' בְּמִדְיָן:

And Moses spoke unto the people, saying: 'Arm ye men from among you for the war, that they may go against Midian, to execute the L-RD'S vengeance on Midian.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

63 תורת הוי"ה

«תּוֹרַת ה' קַמֵּל אֶסְת». אֲלִתֵּר רֶבֶה תּוּזִיחַ מִי־דֶה קֶה תּוֹרַת בֶּה־חֻסּוּס בַּ אִין נַאֵם פִּיּוֹנֶד דַּרְד.

Psalms 19:8 תְּהִלִּים י"ט ה'

תּוֹרַת ה' תְּמִימָה מְשִׁיבַת נֶפֶשׁ עֲדוּת ה' נְאֻמָּה מְקַיֶּמֶת פְּתִי:

The law of the L-RD is perfect, restoring the soul; the testimony of the L-RD is sure, making wise the simple.

67 השלשה דברים שעליהם העולם עומד היינו תורה ועבודה וגמ"ח

آموزه شیعون هَتَصَدِّیک (שמעון הצדיק) است که جهان بر سه چیز استوار است: تورات، خدمت الهی و کارهای نیکوکارانه. آلتز ربه نشان می‌دهد که هر سه صورتی از خودنهی گری (ביטול, bittul) هستند.

Pirkei Avot 1:2 משנה אבות א'ב'

שמעון הצדיק היה משנרי כנסת הגדולה. הוא היה אומר, על שלשה דברים העולם עומד, על התורה ועל העבודה ועל גמילות חסדים:

Shimon the Righteous was one of the last of the men of the great assembly. He used to say: the world stands upon three things: the Torah, the Temple service, and the practice of acts of piety

Torat Emet 357 (Public Domain) • Mishnah Yomit by Dr. Joshua Kulp (CC-BY)

بند 13

68 ونعשה לנו שם

سختانی سازندگان: «ببایید برای خود نامی بسازیم، مبدا بر روی تمام زمین پراکنده شویم.» آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) «نامی» را به معنای نام چهارحرفی (ה', Havayah) می‌خواند.

Genesis 11:4 בראשית י"א:ד'

ויאמרו הבה נבנה לנו עיר ומגדל וראשו בראשם ונעשה לנו שם פן נפוצ עלי פני כלי הארץ:

And they said: 'Come, let us build us a city, and a tower, with its top in heaven, and let us make us a name; lest we be scattered abroad upon the face of the whole earth

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

בראשית יא, ד.

69 פי' שרצו ג"כ שיקבלו השפע מבחי' שם הוי'

تسماح تسدک (הצמח צדק) می‌نویسد که آنان می‌خواستند حروف الوهیت که به آنان حیات می‌بخشند، فقط تأثیری فراگیر بر آنان داشته باشد و در درونشان نتابند.

يادداشت كهوت

ראה באוה"ת דברים כרך ו' פ' תצא ע' ב'שנ' "שרצו שיהי' אותיות אלקות המחיה אותם רק בבחי' מקיף לבד עליהם ושלא יאיר בפנימיות" ע"ש.

70 נאמר גבי יעקב שבעים נפש

شمار اعضای خاندان یعقوب (יעקب) که به مصر آمدند: «هفتاد جان (נפש, nefesh)»; «جان» به صورت مفرد. راشی (درباره 46:26)، به نقل از میدراش، خاندان عیسو (עשו) را که در جمع «جان‌ها» خوانده شده‌اند (براشیت 36:6)، با هفتاد تن خاندان یعقوب مقایسه می‌کند: خاندان عیسو چنین نامیده شدند، زیرا معبودان بسیاری را می‌پرستیدند؛ اما هفتاد تن خاندان یعقوب «یک جان» خوانده شدند، زیرا یک ה' را می‌پرستیدند.

Genesis 46:27 בראשית מ"ז:כ"ז

ובני יוסף אשר יולדו לו במצרים נפש שנים כליה נפש לבית יעקב הבאה מצרימה שבעים:

And the sons of Joseph, who were born to him in Egypt, were two souls; all the souls of the house of Jacob, that came into Egypt, were threescore and ten

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

בראשית מו, כז.

بند 14

71 ואמנם הם ידעו

تسماح تسدک (הצמח צדק) این نکته را در همان‌جا بررسی می‌کند.

يادداشت كهوت

אוה"ת תבוא ע' תתרעב.

بند 15

72 חבור עצבים

هوشع (هوشع) افراييم (افريم)، پادشاهي شمالي، را سرزنش می‌کند: «افراييم به بت‌ها پيوسته است؛ بگذاريد به حال خود باشد.» میدراش (براشیت Rabbah [براشیت رבה] 38:6، درباره نسل پراکندگی) واژه حבור (chavur، «به هم پیوسته») را به معنای «با هم پیوسته» می‌خواند: صلح چه بزرگ است؛ زیرا وقتی حتی بت‌پرستان با یکدیگر در صلح‌اند، ه' گویی می‌فرماید که نمی‌تواند بر آنان فرمان براند. آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) این را درباره سازندگان برج به کار می‌برد.

Hosea 4:17 هوشع د'י:י"ז

חבור עצבים אפרים הנחלו:

Ephraim is joined to idols; Let him alone

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

هوشع د, יז.

بند 17

73 והיינו ע"י האחדות והתכללות

رساله‌ای متأخر که درباره نیروی وحدت و درهم‌پیوستگی بحث می‌کند.

يادداشت كهوت

ראה ד"ה תורה צוה תרנ"ד.

74 ולכן עשו העיר ומגדל

تسماح تسدک (הצמח צדק) در آنجا درباره هدف شهر و برج بحث می‌کند.

يادداشت كهوت

ראה אוה"ת נצבים ע' א'רפא.

75 עיר ומגדל

زهر (זהר) درباره برج می‌گوید: سازندگان مراتب فوقانی را می‌شناختند و می‌دانستند که نام مقدس تنها به واسطه «شهری و برجی» (صهیون و برج داوود) در زمین استقرار می‌یابد؛ ازاین‌رو بر آن شدند شهری و برجی برای فرمانروایی سوي دیگر (סטרא אחרא, sitra achra) بنا کنند.

Zohar, Noach 42:335-341 سفر הזהר, נח מ"ב:שלי"ה-שמ"א

76 וכמ"ש הראב"ע

این رساله نکته همین مقاله را بازگو می‌کند: آنان شهر و برج را برای ایجاد وحدت ساختند تا همگی در آنجا گرد آیند و از یکدیگر جدا نشوند؛ و به واسطه وحدتشان می‌توانستند خیر و جریانی مادی را نیز، حتی بدون خودنهی گری و بندگی ה', فرود آورند.

يادداشت كهوت

"שהכוונה שלהם בבנין עיר ומגדל כדי שיהי' להם אחדות, ע"כ עשו עיר ומגדל כדי שיתקבצו שם כולם ולא יפרדו איש מעל אחיו, וע"י האחדות שלהם היו יכולים להמשיך טובה והשפעה גשמ' אף שלא יהי' להם הביטול ועבודת השי"ת" — סה"מ תר"ל ע' ז. ראה גם תו"ח כאן סג, ד.

77 ע' בזהר פ' נח דף ע"ד

رونوشت موازی، عبارت زوهار را که در اینجا به آن ارجاع شده نقل می‌کند. یادداشت کهوت
ראה הלשון במאמרי אדה"ז פרשיות ע' סב. אוה"ת בראשית כרך 1 תתרע,
א. בהמשך זאת חנוכת המזבח ת"מ סעי' יד. ובאוה"ת נ"ך כרך א ע' תקג.
זהר זה נזכר בלקו"ת ר"ה ס, ב.

78 הן עם אחד

آیه‌ای که ماامر (maamar) با آن آغاز شد، اکنون چنین تبیین می‌شود:
وحدتشان واقعاً به آنان توانایی می‌داد که جریانی بسیار والا را فرود آورند.

Genesis 11:6 براسایت י"א:ו'

ויאמר ה' הן עם אחד ושפה אחת לכלם וזה החלם לעשות ועתה לא
יבצר מהם כל אשר יזמו לעשות:

And the L-RD said: 'Behold, they are one people, and they have all one language; and this is what they begin to do; and now nothing will be withheld from them, which they pur-
pose to do

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کهوت

בראשית יא, ו.

79 הן עם אחד ושפה אחת לכולם

زوهر درباره عبارت «آنان یک قوم با یک زبانند» می‌گوید: چون همگی با
هم‌اند، در یگانگی‌شان هر کاری کنند، انجام می‌دهند و کامیاب می‌شوند؛
ازاین‌رو ه' آنان را پراکنده ساخت.

Zohar, Noach 43:361-44:373 ספר הזהר, נח מ"ג:שס"א-
מ"ד:שע"ג

AND THE L-RD SAID: BEHOLD, THEY ARE ONE PEOPLE, AND THEY HAVE ALL ONE LANGUAGE, i.e. being united they may indeed succeed in their undertaking. Let, therefore, all the grades be dispersed, each in its own direction, and in this way mankind below will also be dispersed. Hence it it written: AND THE L-RD SCATTERED THEM ABROAD FROM THENCE

The Zohar; London, Soncino Press, 1933 (Public Domain)

80 חבור עצבים

بار دیگر برای اثبات این نکته به آن استناد شده است که وحدت، حتی برای
کسانی که شایسته آن نیستند، جریانی را از بالا فرومی‌آورد.

Hosea 4:17 הושע ד':י"ז

חבור עצבים אפרים הנחלו:

Ephraim is joined to idols; Let him alone

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

81 שהם היו הולכם בשרירות לבם

تسماع تسدک در آنجا بخشی از این قسمت مقاله را نقل می‌کند.

یادداشت کهوت

קטע מובא באוה"ת פ' בלק ע' א"יז.

82 פן ישלח ידו

دلیل ه' برای بازداشتن آدم (آدم) از درخت حیات پس از گناه. آلتز ربه
(آدمو"ר הזקן) آن را نمونه‌ای مشابه می‌گیرد: نیرویی والا اگر به
دست‌هایی نادرست بیفتد، شر را نیرومندتر می‌کند.

Genesis 3:22 براسایت ג':כ"ב

ויאמר ה' אלקים הן האדם הנה כאחד ממנו לדעת טוב ורע ועתה פן
ישלח ידו ולקח גם מעץ החיים ואכל וחי לעולם:

And the L-RD G-d said: 'Behold, the man is become as one of us, to know good and evil; and now, lest he put forth his hand, and take also of the tree of life, and eat, and live for
'ever

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کهوت

בראשית ג, כב.

83 הבה ונבלה שפתם

پاسخ ه' به ماجرای برج: «بیایید، زبانشان را آشفته سازیم.»

Genesis 11:7 براسایت י"א:ד'

הבה נרדה ונבלה שם שפתם אשר לא ישמעו איש שפת רעהו:

Come, let us go down, and there confound their language,
'that they may not understand one another's speech

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

84 פיזור לרשעים הנאה להם והנאה לעולם

میشنا (משנה) می‌آموزد که پراکندگی شیران به سود خودشان و جهان
است، و گردآمدن صالحان به سود خودشان و جهان. آلتز ربه توضیح
می‌دهد چرا: وحدت جریانی والا را فرومی‌آورد؛ و این تنها در میان کسانی
نیکوست که خودنهی‌گری (بیتول, bittul) [یعنی در برابر ه' خود را هیچ
می‌شمارند، با آن‌که همچنان وجود دارند] دارند.

Mishnah Sanhedrin 8:5 משנה סנהדרין ח':ה'

בן סורר ומורה נדון על שם סופו, נמות זכאי ואל נמות חייב, שמיתתו
של רשעים הנאה להו והנאה לעולם, ולצדיקים, רע להו ורע לעולם. ויו
ושנה לרשעים, הנאה להו והנאה לעולם, ולצדיקים, רע להו ורע
לעולם. פיזור לרשעים, הנאה להו והנאה לעולם, ולצדיקים, רע להו ורע
לעולם. בנוס לרשעים, רע להו ורע לעולם, ולצדיקים, הנאה להו והנאה
לעולם. שקט לרשעים, רע להו ורע לעולם, ולצדיקים, הנאה להו
והנאה לעולם:

A "wayward and rebellious son" is judged on account of his outcome: let him die innocent and let him not die guilty. For the death of the wicked benefits themselves and the world; [and the death] of the righteous, injures themselves and the world. Wine and sleep of the wicked benefit themselves and the world; of the righteous, injure themselves and the world. The scattering of the wicked benefits themselves and the world; of the righteous, injures themselves and the world.

... The assembling of the wicked injures themselves and the

Torat Emet 357 (Public Domain) • Mishnah Yomit by Dr. Joshua Kulp (CC-BY)

85 השלום הוא הכלי המחזיק ברכה

کلمات پایانی می‌شنا (משנה): ه' هیچ ظرفی نیافت که برکت را برای
اسرائیل در خود جای دهد، جز صلح. این گفتار (ماامر, maamar) با این

سخن، به عنوان نتیجه استدلال خود، پایان می یابد.

Mishnah Oktzin 3:12 משנה עוקצים ג'ר"ב

אמר רבי יהושע בן לוי, עתיד הקדוש ברוך הוא להנחיל לכל צדיק וצדיק שלש מאות ועשרה עולמות, שנאמר (משלי ח), להנחיל אהבי יש ואצרתיהם אמלא. אמר רבי שמעון בן חלקתא, לא מצא הקדוש ברוך הוא כלי מחזיק ברכה לישראל אלא השלום, שנאמר (תהלים כט), ה' עז לעמו יתן ה' יברך את עמו בשלום:

Rabbi Yehoshua ben Levi said: In the world to come the Holy One, Blessed be He, will make each righteous person inherit three hundred and ten worlds, for it is written: "That I may cause those that love me to inherit yesh (numerical value of; and that I may fill their treasures" (Proverbs 8:21. Rabbi Shimon ben Halafta said: the Holy One, Blessed be He, found no vessel that could contain blessing for Israel save that of peace, as it is written: "The L-rd will give strength ... unto his people

Torat Emet 357 (Public Domain) • Mishnah Yomit by Dr. Joshua Kulp (CC-BY)



دربارهٔ این نسخه

.the notes و our explanations ,the English translation ,This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

.Our explanations, with the overview, the questions and the page for children: CC BY-NC 4.0

The notes: Kehot's marei mekomos ("Sources and References", including the Rebbe's notes) © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted; our notes on them: CC BY-NC 4.0.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA); The Holy Scriptures: A New Translation (JPS 1917) از طریق سفاریا: (Public Domain); William Davidson Edition - Vocalized Aramaic (CC-BY-NC); Constantinople, 1740 (CC-BY-NC); Pardes Rimonim (Public Domain); Kehot Publication Society (CC-BY-NC); Sefer Etz Chaim (Public Domain); Rabbi Mike Feuer, Jerusalem Anthology (CC-BY); Torat Emet 357 (Public Domain); Mishnah Yomit by Dr. Joshua Kulp (CC-BY); The Zohar; London, Soncino Press, 1933 (Public Domain)

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/noach/4/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، רב ליوی بیتسخاک